

راه را بسوی گسترش و تعمیق انقلاب بگشائیم

صفحات ۴ و ۵

چرا روزنامه جمهوری اسلامی به ادعای خود عمل نمیکند؟

صفحه ۷

باطرد
انحصار طلبی
وقشری گری



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۵۹۹
چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۲۶ ربیع الثانی ۱۳۶۱-۱۴۰۱: ۱۵۰۰ ریال

مجلس شورای اسلامی در برابر یک تصمیم تاریخی و سرنوشت ساز در باره فعالیت احزاب و گروهها

تصویب طرح قانونی تشکیل و فعالیت جمعیتها، انجمنها، احزاب و نظائر آن در شصت و سومین جلسه شورای عالی قضائی و انتشار آن در روزنامهها، یعنی این انتظار را در مردم انقلابی ایران بوجود آورد که زمینه خوبی برای حل یکی از مهمترین مسائل اجتماعی سیاسی ایران فراهم شده است. انتظار مردم و همه

در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تصویب بر نامه اقتصادی - اجتماعی حزب کمونیست اتحاد شوروی

در روز دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۹۹۰، در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، نویسنده «رامساتهای عمده روند اقتصادی - اجتماعی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۱ و تا سال ۱۹۹۰» به تصویب رسید (درباره رونق این سند، نامه مردم در روزهای اخیر به تفصیل گزارش داد). کنگره بیست و ششم به شورای وزیران اتحاد شوروی مأموریت داد که، هنگام تدوین برنامه پنجساله یازدهم، پیشنهادهایی را که در جریان بحث همگانی کنگره درباره سند نامبرده مطرح شد، در نظر گیرد. کنگره پس از انتخاب ارگانهای رهبری حزب، کار خود را روز سه شنبه، ۱۲ اسفند ماه ۱۹۹۰، پایان داد.

پانزدهم از نتایج مهم این کنگره، تصویب برنامه اقتصادی - اجتماعی حزب کمونیست اتحاد شوروی است. این راهی است که ادبیات شوروی میزاید.

سه میه بندی و توزیع کالاهای اساسی با کوپن، وسیله مؤثر مبارزه با گرانی است

در عرض یکسال رقم بسیار تکران کننده ای است. این جیب گزشتی از آنکه بیانگر پائین آمدن قدرت خرید توده مردم بین یک چهارم تا یک سوم درآمد آنهاست، در عین حال نشانه نامطلوبی از وضع اقتصادی است. در صورتیکه با اتخاذ و اجرای تصمیمات قاطع، از جمله اقدام به ملی کردن بازرگانی خارجی، تمرکز ذخایر کالاهای اساسی در دست دولت، توزیع کالا از طریق شبکه دولتی، تعاونی و خردفروشیها و تغییرات لازم در بودجه اساسی بعمل نیاید، افزایش گرانی و تورم خطرات جدی اقتصادی - اجتماعی در بر خواهد داشت.

افزایش بالای ۱۵ درصد برای کالاهای خدمات هتلدارنده است، بالای ۴ درصد خطرناک است، ۲۵ و ۲۹ درصد افزایش در میان کالاهای و خدمات مصرفی در مناطق شهری، بزرگترین رقم، افزایش مخصوص مواد خوراکی است، بطوریکه بیش از ۱۰ درصد از افزایش شاخص کل را ترقی برای مواد خوراکی تشکیل میدهد.

شاخص برای کالاهای اساسی مصرفی در مناطق شهری ایران در آذرماه ۵۹، از سوی بانک مرکزی انتشار یافت. آنچه در این آمار جلب توجه میکند، دو چیز است: یکی رشد سریع و یساخته گرانی و دیگری ثبات نسبی قیمت کالاهای غیرمصرفی.

نگرشی بر این آمار بدست می آید که فزونی در قیمت کالاهای اساسی با کوپن، وسیله مؤثری است برای مبارزه با گرانی و حتی کاهش قیمتها.

به ارقام مستتره یا دقت بیشتری نظر اندازیم:

آمار منتشره بانک مرکزی حاکی است که در آذرماه اسفند، نسبت به ماه مشابه سال قبل، شاخص متوسط قیمت کالاهای خدمات مصرفی در مناطق شهری ۲۵٫۸ درصد، و بدون در نظر گرفتن گروه مسکن و سوخت، ۲۹٫۹ درصد بالا رفته است. این چنین جیبی در افزایش قیمت کالاهای و خدمات مصرفی

پیشنهاد های سازنده تولید برزق در کنگره بیست و ششم درباره تمسک روند تشنه زبانی کامکان با واکنش وسیع جهانیان در بر می شود:

گروهی از نمایندگان عوام بریتانیا، از جمله نمایندگان حزب محافظه کار، در نامه ای به روزنامه «تایمز» خواستند که به پیشنهاد های سازنده تولید برزق مکرر اصل مثبت نشان داده شود. آنها، بویژه از پیشنهاد تولید برزق در مساره تشکیل اعلامیه فوق العاده شورای امنیت در سطح سران بلند پایه، پشتیبانی کردند.

لایح حواقه، رهبر جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، از ابتکار تولید برزق درباره تشکیل یک کنفرانس بین المللی برای حل مسئله خاور نزدیک، استقبال کرد.

چنگیز آیتاوف، نویسنده

ریچارد هلمز، رئیس پیشین سازمان جاسوسی «سیا» از دولت موقت پشتیبانی می کند!

ریچارد هلمز سفیر سابق آمریکا در ایران و رئیس پیشین سازمان جاسوسی «سیا»، در مصاحبه ای در روزنامه آمریکایی «واشینگتن استار» گفته است که تسخیر لانه جاسوسی در واقع توطئه افراتوین مسلحی در ایران بود برای سرپوش گذاشتن بر کودتای سیاسی آنها علیه دولت ملی بازرگانان.

ریچارد هلمز می افزاید: «امام» خمینی می ترسید که بازرگانان روایت ایران و آمریکا را حفظ کند و حتی توسعه دهد.

وقتی مردم میگویند که لیبرالها میخواستند و میخواهند امپریالیسم آمریکا را دوباره از پنجره وارد ایران کنند و با برپا شدن بی سوسیالیسم محرمانه برای نیل به این هدف شوم پرداختند، یعنی همین! و امپریالیسم آمریکا هم فقط دولتهای متشکل از چنین کسانی را «ملی» می نامد!

در ۲ روز گذشته: مواضع دشمن در جبهه مر یوان در هم کویده شد

شدید و مداوم توپخانه و سلاح های سنگین خود قرار دادند که برابر گزارشهای دیدهبانهای خوری ضایعات و تلفات دشمن در منطقه پنجویں حدود پنجاه درصد بوده است. همچنین برای آتش توپخانه نیروهای خودی در یکی از جبهه های گیلانغرب، یک تانک و ده سنگر دشمن نابود و عمدهای از افراد دشمن کشته و مجروح شدند. در این عملیات، نیروی زمینی بیست و هفت تن شهید و

شیرانی جمهوری اسلامی ایران یک تن شهید در تمامی جبهه های نبرد داشته است.

روز دهم اسفند ماه تبادل آتش توپخانه و خمپارمانند در اکثر جبهه های ایلام بین نیروهای دلاور ما و دشمن وجود داشت و شدت آتش تا ساعت ده و سی دقیقه در جبهه های میمک، گانی سفید، نسبت به سایر جبهه ها شدیدتر بوده است. در این عملیات، با اجرای آخرین روی مواضع متجاوزان

در ادامه نبرد بین مذاضات انقلاب و نیروهای متجاوز صدامی طی دو روز گذشته، ضربات سنگینی بر یکپارچگی و وارد آمدن بر اساس اطلاعاتی ۴۲۱ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در روز نهم و دهم اسفند ماه ۵۹، رزمندگان نیروی زمینی یا مهاجمی دیگر نیروهای مسلح ارتش، از یامداد روز نهم اسفند ماه، مواضع دشمن را در جبهه مر یوان در خاک عراق زیر آتش

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

جلسه علنی دیروز مجلس، پریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد. نخستین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز، عابدین زاده، نماینده مردم خوی، در سخنان خود از جمله گفت: «بنده اعتقاد دارم که آنهایی که در میدان آزادی حرف می‌زنند، خود از همه‌ی بیشتر دیکتاتورند. بنده امروز خطر ملی‌گرایان را برای انقلاب بیشتر از گروهی سیاسی دیگر میدانم.» ناطق همچنین به عدم تکمیل کابینه اشاره کرد و درباره اقدامات مجلس از جمله گفت:

«مجلس! اگر از راه قانونی وقایع را برخورد می‌کرد، امروز کابینه هم تکمیل می‌شد و برجسیه‌هایی هم به مجلس زده نمی‌شد.»

ری سس با اشاره به هفتاد و هفت غیر امام گفت:

«آنها هنوز هم برای آزادی امر-انتظام خدمت امام هم رفته‌اند من می‌روم از این و از آن گروه‌گانه، در اولین مرحله‌ای که در مجلس مسئله گروه‌گانه مطرح شد، نامه خصوصی در کنگره آمریکا برای چه کسی آمده»

کسانی که اعتصاب را رهبری میکردند، مشخص کنید

نمایند مردم خوی، با اشاره به طولانی شدن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران سؤال کرد:

«چرا جنگ اینبه ادامه پیدامی-کنند؟ من از دولت و دادگاه میخواهم که آن کسانی که اعتصاب را رهبری می-کردند برای ملت روشن کنند. اگر رجایی بود بگویند و اگر دفتر هماهنگی رهبری می‌کرد، بگویند و اگر هر کسی دیگری

رهبری می‌کرد، بگویند.» وی گفت: «در ارتش یسارنامه‌ریزی دارند دقیق، افسران کودتاگر را بر سر کارهای مهم می‌گمارند. دلیل این است که معاونین حکومت نظامی تیمار رجیمی معلوم ملعون، شاغلند. تیر و توله‌ها، در ارتش، انجمنهای اسلامی و اداره‌های سیاسی ایدئولوژیک را کنار می‌زنند. ملت یسار باشد، امت یسار باشد، خدا شاهد است. کودتایی در جریان است شل نباید گرفت. اما کور خوانده‌اند، کودتا نمی‌تواند بکنند. اما قطع بها بیشتر می‌دهیم. کسودتای تدریجی.»

موانع بند «ج» باید بسرعت مورد رسیدگی قرار گیرد

دومین ناطق قبل از دستور، حسینعلی رحمانی، نماینده بیجار گروس، ضمن اشاره به هیستکی مردم کردستان یا انقلاب و دولت جمهوری اسلامی ایران، گفت: «حکومت قانون را باید پذیرفت.» وی همچنین از دستاوردهای انقلاب سخن گفت و از جمله به برپید شدن مراکز فساد و تصرف‌لانه جاسوسی آمریکا در ایران اشاره کرد و گفت:

«این انقلاب زمینه را برای رشد فکری و استقلال واقعی فراهم کرد. برای تحقق بخشیدن به آرمانهای انقلاب همه باید تلاش کنند»

ناطق همچنین به مهاجرت روستائیان به شهرها اشاره کرد. او ضمن برشمردن مشکلات ناشی از مهاجرت، برای جلوگیری از آن از جمله گفت:

«موانع اجرای بند «ج» باید بسرعت مورد بررسی قرار گیرد. روستائیان اطمینان یابند که می‌توانند با بهره‌گیری از امکانات کشور زندگی شرافتمندانه‌ی خود

در جلسه علنی دیروز مجلس: از طرح فعالیت احزاب و گروهها انتقاد شد

آنها که در میدان آزادی صحبت میکنند، خود از همه‌ی بیشتر دیکتاتورند
کسانی که اعتصابها را رهبری میکردند، مشخص کنید، اگر رجایی بود بگویند و اگر دفتر هماهنگی بود بگویند

را تأمین کنند» وی سپس از مشکلات حوزه انتخابیه خود و نقش فئودالها و عواملطان در این منطقه سخن گفت.

سپس حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی درباره اظهارات عابدین زاده درباره ارتش توضیحاتی داد و از جمله گفت:

«هم آقای عابدین زاده را می‌شناسم و فکر نمی‌کنم نظرشان به مجموعه ارتش و اکثریت قریب به تمام آن باشد.»

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی با اشاره به درخواست عدمای از نمایندگان از وی مبنی بر پاسخ به اظهارات رژیم-جمهوری در اعلامیه خود و نیز مطالبی که در کارنامه خود در روزنامه «انقلاب اسلامی» در مورد مجلس داشته است، گفت:

«ما از امام می‌خواهیم که روشن کند حق مجلس و حق شورای نگهبان را و حق اینکه، که باید قانون بگوید و که آن را با قانون اساسی تطبیق دهیم.»

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، ضمن اشاره به سخنان امام خمینی، که صریحاً در این مورد اظهار نظر کرده‌اند، توضیح داد که فعلاً مسأله نیست که وی به این مسائل و مطالب پاسخ گوید.

سپس مجلس وارد دستور شد و گزارش «کمیسیون کار و امور اجتماعی» در خصوص اضافه شدن یک تبصره به بند ۲ «دلیله تأمین منافع کارگران مشمول قانون سبیم کردن در منافع کارگاههای صنایع و تولیدی» مطرح شد. این لایحه یا پیشنهاد یکی از نمایندگان، به علت حساس بودن آن، بدست ۴ روز سکوت ماند.

طرح فعالیت احزاب و گروهها

سپس گزارش طرح فعالیت احزاب و گروهها، که در «کمیسیون داخلی» مجلس به تصویب رسیده بود، توسط متخیر کمیسیون برای شور اول در مجلس، قرائت شد. عدمای از نمایندگان در موافقت و مخالفت طرح سخن گفتند.

دکتر سامی، یکی از مخالفین این طرح، در سخنان خود ضمن اشاره به تصریح قانون اساسی در مورد تعدد احزاب، در باره ماده‌ای که به رابطه احزاب و گروههای سیاسی داخل کشور با گروهها و احزاب کشورهای دیگر مربوط است، آنرا در تارخ با روح اصل ۱۵۴ قانون اساسی دانست.

حجت‌الاسلام مجتهد شبستری مخالف دیگر، در مخالفت با این طرح ضمن اشاره به امتیازاتی که در این طرح (به شرط گرفتن پروانه) برای احزاب و گروهها در نظر گرفته شده است از جمله گفت: «این خلاف قانون اساسی است. برای اینکه قانون

اساسی در مواد ۳۶ و ۳۷ به صراحت بیان کرده است که همه گروهها، همه حزبا، همه جمعیتها، در تشکیل اجتماعات هم در راه میانه‌ها و هم در اعلامیه و نشر و غیره ذلك آزاد هستند. بیان آزادی آنها را متوقف بر هیچ چیز نگردم. من استناد میکنم به بیان شورای عالی قضایی و سیاست‌گذاری می‌کنم از شورای عالی قضایی.»

وی سپس با اشاره به پیشنهاد شورای عالی قضایی در این مورد گفت:

«به صراحت شورای عالی قضایی تصریح کرده که گرفتن پروانه لازمیست. فقط مسئله اینست که اگر گروهی یا جمعیتی خواست شخصیت حقوقی داشته باشد، برای آن باید به مقامات صالحه مراجعه کند»

وی سپس با اشاره به مواد مختلف این طرح آنرا از پایست، ویران توصیف کرد و منایر قانون اساسی و «مقرر به انقلاب اسلامی» خواند.

حجت‌الاسلام مجتهد شبستری ضمن اشاره به اینکه میانه‌های آزادیهای غیر بی‌بوجه مورد توجه نیست گفت:

«صحت معتقد این باید هفتادگ با قانون اساسی باشد، به هر مینای اینکه فشارهای سیاسی ما را به تعلق از قانون اساسی وادارد. قانون اساسی خونپای شهادت ماست.»

با پایان یافتن وقت مجلس، آذامه بحث در مورد این طرح به جلسه امروز مجلس موکول شد. همچنین در جلسه امروز، گزارش «کمیسیون بازرگانی» در مورد طرح ملی کردن تجارت خارجی، مورد بحث و بررسی نمایندگان قرار خواهد گرفت.

مجلس شورای اسلامی ...

بقیه از صفحه ۱

و قیامک شده، در مجلس شورای اسلامی مورد بحث و تصویب قرار گیرد و رسمیت قانونی پیدا کند.

متأسفانه در جلسه دیروز مجلس، نه فقط طرح پیشنهادی شورای عالی قضایی، که یکی از سرکاران عمده جمهوری اسلامی است، به بحث و بررسی گذاشته نشد، بلکه بجای آن طرح ۲۰ ماده‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفت، که گذشته از عدم انطباق آن با شرایط ویژه پس از پیروزی انقلاب (ما در مورد مواد مختلف این طرح بعداً به تفصیل صحبت خواهیم کرد) در تناقض با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین با طرح پیشنهادی شورای عالی قضایی است و لذا بحق نگرانی برانگیز است.

صحبت تنها بر سر نگرانی افکار عمومی از طرح ۲۰ ماده‌ای نیست. صحبت بر سر آن است که برخی مقامات مسئول جمهوری اسلامی نیز نسبت به این طرح نگرانی داشته‌اند، و الا دلیل نداشت که با وجود اطلاع برجستین طرحی در کمیسیون مجلس، شورای

عالی قضایی میادرت به تصویب طرح دیگری نماید و گذشته از انتشار در مطبوعات، آنرا برای تصویب در اختیار کمیسیون مجلس قرار دهد.

شورای عالی قضایی بدرستی به اهمیت مسئله توجه کرده و تشخیص داده است که در جمهوری اسلامی ایران، نه ایجاد محدودیت و به بند کشیدن احزاب، بلکه رعایت دقیق قانون اساسی است که دلیل به هدفهای انقلاب و جمهوری را تأمین می‌کند. اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آزادی فعالیت جمعیتها، انجمنها و احزاب را بر رسمیت شناخته است. ماده یک طرح تصویبی شورای عالی قضایی مشعر بر همین است که بدرستی خاطر نشان می‌سازد:

«هر کسی و هر گروه می‌تواند جمعیت و انجمن و سازمان و حزب یا هر نوع تشکیلات فرهنگی، دینی، سیاسی، اجتماعی دیگر تشکیل دهد، بی آنکه نیازی به تصویب پروانه رسمی داشته باشد.»

طرح تصویبی شورای عالی قضایی، ضمن آنکه آزادی فعالیت جمعیتها، انجمنها، احزاب و نظامی آن را بر رسمیت می‌شناسد، در عین حال اینطور نیست که موجبات هرج و مرج در این مسئله حیاتی را فراهم

آورده باشد. مواد ۲، ۳، ۴ این طرح، که در آنها در نظر گرفته میشود که احزاب، برای اینکه رسماً شخصیت حقوقی شناخته شوند، باید به ثبت برسند. سؤال آن به دولت معرفی شوند و از هر نوع فعالیتی که «ناقص، استقلال، آزادیهای مشروع دیگران، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی» مصالح کشوری باشد، خودداری کنند. ناظر به حفظ کلیه اصول بسود انقلاب و جمهوری اسلامی است.

طرحی که از طرف کمیسیون به مجلس ارائه شد و در جلسه دیروز کلیات آن مورد بحث قرار گرفت، ضمن اینکه مزایای طرح پیشنهادی شورای عالی قضایی را در بر ندارد، شخصیت سازمانهای اجتماعی - سیاسی را، که باید مورد احترام باشند، تا حد ننگاماملاتی یائین می‌آورد. در حالی که طرح شورای عالی قضایی قانون اساسی جمهوری اسلامی و اصول آنرا مشخص کننده فعالیت احزاب و جمعیتها می‌شناسد، طرح ارائه شده کمیسیون به مجلس، تعیین تکلیف احزاب و جمعیتها را موکول به صدور پروانه می‌کند، و اختیار صدور این پروانه را هم در اختیار مراجع دست‌دوم و سوم قرار می‌دهد. علاوه بر طرح، احزاب و جمعیتها را به گروههای برخوردار و محروم از امتیاز تشکیل

اجتماعات و رانمیسانی و اجازه انتشار اعلامیه‌های خود تقسیم می‌کند، که نه تنها صرفاً دادن امتیاز به یک حزب و جمعیت بزبان احزاب و جمعیتها دیگر است، بلکه اصولاً خلاف اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

مثالی داریم که می‌گوید: حرمت مسجد یا متولی است. اکنون نیز حرمت جمهوری نوای اسلامی در درجه اول یا مجلس شورای اسلامی است. مجلس در مسئله تصمیم‌گیری در مورد فعالیت احزاب و سازمانها و جمعیتها یا اتخاذ تصمیم تاریخی و سرنوشته‌سازی مواجه است. ما شاهد آن بوده‌ایم که مجلس شورای اسلامی در چنین مواردی قادر به اخذ تصمیمات و تصویب قوانینی مبتنی بر حفظ منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بوده است. می‌خواهیم امیدوار باشیم که در این مورد نیز همین روش تقییب شود و مجلس، بجای صحنه گذاشتن بر طرح پیشنهادی کمیسیون، طرح شورای عالی قضایی را مورد بحث و تصویب قرار دهد.

به یقین این انتظاری است که همه تیره‌های مومن به انقلاب و معتقد به جمهوری اسلامی ایران از مجلس شورای اسلامی دارند.

سهامیه بندی ...

بقیه از صفحه ۱

ارقام بستند نموده و توضیحی در این باره نمی‌دهد. حال آنکه خود ارقام صرفاً فروگویی این واقعیت است که علل گرانی را باید در فقدان نظارت بر قیمتها و سودجویی عمده فروشان و محترکان جستجو کرد، زیرا مثلاً در مورد ۳۲ کالاهای که چیرمندی شده، قیمت‌ها نه فقط ثابت مانده، بلکه حتی در کاهش عمومی نرخ تورم و گرانی نیز تأثیری جدی داشته است.

بنوعان مثال، درباره تأثیر سهامیه بندی قد و شکر، گزارش بانک مرکزی چنین حاکیست که بهای قد و شکر، که در بازار آزاد در سطحی بالاتر از نرخهای تعیین شده قرار داشت، در آذربایجان برای سهامیه بندی توزیع آن با نرخهای دولتی تا حد قابل-ملاحظه‌ای (قد ۱۶۴ درصد و شکر ۹۰ درصد درسد) یائین آمد.

گزارش بانک مرکزی حاکیست که بهای پودرهای لیاستوشی ثابت مانده و بهای روغن نباتی، با وجود کمبود شدید این کالا و تا حدوری فارسانی در توزیع آن، معذک در مقایسه با سال قبل فقط ۹ درصد افزایش نشان می‌دهد.

چنانکه می‌دانیم، قد و شکر، پودر لیاستوشی و روغن نباتی سه کالای هستند که سهامیه بندی شده و با کوبین توزیع شده‌اند. سوخت نیز، که توزیع آن از طریق

سهامیه بندی صورت گرفته، طبق آماربانک مرکزی، در مقایسه با کالاهای دیگر، افزایش متدلی را نشان می‌دهد.

نتایج حاصله از سهامیه بندی قطعند رقم کالا گواہ بر تأثیر جدی این اقدام در ثابت نگه داشتن حتی کاهش قیمت مواد خوراکی و سوخت است. این وضع دلیل روشنی است بر اهمیت و ضرورت این اقدام.

ما قبلاً بکرات ضرورت هر چه سریعتر سهامیه بندی و توزیع کالاهای اساسی را با کوبین خاطر نشان ساخته‌ایم. اکنون که آمار بانک مرکزی نیز نتایج مثبت این اقدام را تأیید می‌کند، جا دارد که مقامات دولتی انجام این کار فوق‌العاده مهم و ضروری را از امروز به فرودا محول نکنند.

باید خاطر نشان ساخت که تنها مواد خوراکی نیست که قیمت‌های سرسام‌آور پیدا کرده‌اند. آزادی غارت‌بازار گانسان عمده، محترکان و سودجویان سبب شده است که قیمت پوشاک (۴۶۹ درصد)، اثاثیه، کالاهای خدمات مورد استفاده در خانه نیز ۲۷۳ درصد افزایش حاصل کند. جالب اینکه قیمت غذا در خارج از خانه، که نشانه سودجویی بر محدود صرحا بحیان رستورانها، مهمانخانه‌ها و غذایزی است، ۵۰ درصد، که رقم سرسام‌آوری است، افزایش پیدا کرده‌است.

افزایش قیمت‌های اخیر نیز نتیجه عدم کنترل قیمت‌ها و سودجویی‌های کلان - سرمایه‌داران است که حربه‌های احتکار،

مواضع دشمن ...

بقیه از صفحه ۱

در جبهه‌های غرب اروپا - اثر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین یگانهای نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران یک کامیون حامل مهمات، یک تانکر، در خودروی زرهی و یک لودر ارتش متجاوز به آتش کشیده شد و منهدم گردید.

در جبهه‌های آبادان رزمندگان نیروهای مسلح همچنان مواضع متجاوزان صدامی را زیر آتش شدید خود داشتند که بر اثر آتش توپروهای رزمنده ما، سه تانک، دو بولدوز، دو سنگر تیربار و تعدادی از سنگرهای اجتماعی و انفرادی دشمن منهدم و عدم‌ای از افراد دشمن به هلاکت رسیدند و یا مجروح شدند.»

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

کمک مالی به حزب توده ایران

کمک مالی به حزب توده ایران! یک وظیفه انقلابی است!

کامل: ۵۰۰ ریال
هدیه عروسی کمی یکسکه نيم
خانم ا. امام ۱۰۰۰ ریال
کارگران یک نجاری ۱۰۰۰ ریال
فاز تصویلان اطریض ۹۰۰۰ ریال
زهره از کار خیاطی ۸۲۵۰ ریال
ج. ن ۱۰۰۰ ریال
نوشین ن ۲۰۴۰ ریال
حافظ ۵۶۰ ریال
منصور از درکه ۲۹۳۰۰ ریال
سازمان حزبی در بلژیک ۲۵۰۰۰ ریال
مژده ۳۲۰۰ ریال
از کرمان ۲۱۵۰۰ ریال

علاقندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کرمانی و همکاران ۳۳۳۳ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بیرادند.

سیمینه رودی ها در جبهه فعالند و در پشت جبهه پر تلاش

دهستان سیمینه رود یکی از دهستان های استان همدان است. این دهستان در منطقه ای کوهستانی - جلگه ای قرار دارد. سیمینه رود روستاهایی را در برمی گیرد که برخی از آنها عبارتند:

ردیف	نام روستا	موقعیت روستا	جمعیت	تعداد خانوار	تعداد خوش نشین
۱	کوش بلاغ	در ۲۵ کیلومتری همدان - جلگه ای است	۶۵۰ نفر	۱۱۰	۱۶
۲	پهنه بر	در ۴ کیلومتری همدان - کوهستانی است	۷۶۰ نفر	۱۳۰	۴۰
۳	همه کسی	در ۲۲ کیلومتری همدان - جلگه ای کوهستانی است	۴۰۰۰ نفر	۴۲۰	۱۲۰
۴	قشلاق	در ۲ کیلومتری جاده سنندج - همدان - کوهستانی است	۶۰۰ نفر	۱۱۰	۳۰
۵	بابا علی	در ۴ کیلومتری جاده سنندج - همدان و ۲۵ کیلومتری همدان - کوهستانی است	۱۴۰۰ نفر	۲۴۵	۸۰
۶	تاج آباد علیا	در ۴ کیلومتری همدان - کوهستانی است	۵۰۰ نفر	۱۰۰	۳۵
۷	دهنو	در ۱ کیلومتری جاده همدان - سنندج - کوهستانی است	۲۵۰ نفر	۵۳	۱۵
۸	تاج آباد سفلی	در ۷۰ متری جاده همدان - کرمانشاه - کوهستانی است	۲۰۰۰ نفر	۲۹۰	۱۴۰
۹	گندجهین	۲/۵ کیلومتری جاده همدان - کرمانشاه - جلگه ای - کوهستانی است	۱۰۰۰ نفر	۱۶۰	۲۰
۱۰	اختاجی	تاجاد اصلی ۸ کیلومتر فاصله دارد - جلگه ای - کوهستانی است	۸۰۰ نفر	۱۳۴	۳۰
۱۱	چشم کبود	در ۶ کیلومتری جاده همدان - کرمانشاه - جلگه ای است	۲۲۰ نفر	۳۴	-
۱۲	ارومند	تا جاده اصلی ۱ کیلومتر فاصله دارد - جلگه ای - کوهستانی است	۲۰۰۰ نفر	۲۵۰	۶۰
۱۳	چشم قصابان	در ۱۲ کیلومتری همدان و ۲ کیلومتری جاده اصلی - کوهستانی است	۸۰۰ نفر	۱۱۰	۱۲
۱۴	بهادر بیگ	در ۳۳ کیلومتری همدان - جلگه ای است	۳۰۰۰ نفر	۵۰۰	۱۵۰
۱۵	کریم آباد	جلگه ای است	۱۰۰۰ نفر	۱۴۴	۵۶

هم چنین روستاییان ۲ خوروار نان و ۳۵۰۰۰ ریال پول نقد کمک کرده اند. مردم قریه پهنه بر از جهاد سازندگی نهایت سپاسگزاری را دارند، زیرا برای روستا حمام دوشی ساخته، مدرسه را مرمت کرده و پل هم زده است. آب روستا از رودخانه تانین می شود که چون سد ندارد، تمام آب آن به قدری می رود. پهنه بر مردمی به نام سلطان آقا قرار داد، که به علت خشک شدن قنوات، زمین های آبی آن در حال تبدیل شدن به دیم هستند. با توجه به حاصلخیزی اراضی مزرعه مذکور، لازمست که راه رود تر قنوات آن لایروبی شوند و نیز جاده عمیق و نیمه عمیق حفر گردد.

روستاییان زحمتکش روستای همه کسی نیز با شروع تجاوز صدام، آماده شرکت در بسیج عمومی شده اند. عده ای از اهالی به عنوان جان فدا خود را به بسیج معرفی کرده اند. منقشی خدمت های ۵۶ نیز خود را معرفی کرده اند. در همین اهالی ۴ تن نان و ۲ تن آرد، ۱۲ تن چغندر و ۲۳۵۰۰۰ ریال وجه نقد به جنگ زدگان باری رسانده اند.

میزان آب همه کسی بسیار کم است. در این مورد یکی از دهقانان می گوید: "فقط به آب احتیاج داریم. اگر آب برسد، ما می توانیم محصولی که دولت بخواهد، به عمل آوریم و آن قدر می کاریم تا دیگر به آمریکا احتیاج نداشته باشیم. قنات ها و کپریزهای ما احتیاج به لایروبی دارند."

در این روستا بزرگ مالکی وجود ندارد. اما در دیگر روستاهای روستاییان وسایل تولید کشاورزی است. روستاییان زحمتکش از دولت می خواهند که وسایل تولید کشاورزی از قبیل تراکتور، کمباین و غیره را در اختیار آن ها قرار دهد، تا آنان بتوانند مبارزه با آمریکا را با تولید هر چه بیشتر ادامه دهند. حمام دوشی روستا احتیاج به مرمت دارد. در همه کسی روستا فاقد پزشک است. در همه کسی مدرسه ۵ کلاس ابتدایی و نیز راهنمایی وجود دارد.

بچه در روستای قشلاق نیز اهالی آماده شرکت در بسیج عمومی هستند. آنان نان و ۵۰۰۰۰ ریال وجه نقد کمک کرده اند. در این روستا نیز آب بسیار کم است و لازمست که راه رود تر قنوات روستا کور شده اند و احتیاج به لایروبی دارند.

مدرسه ۵ کلاس وجود دارد. در روستای دهنو نیز اهالی آماده شرکت در بسیج عمومی هستند و بانان و پهنه بر جنگ زدگان کمک کرده اند. روستاییان دهنونیز با بی آبی روبرو هستند. گندم و جو به صورت دیم کشت می شود. در این خصوص یکی از دهقانان می گوید:

"ما حتی آب برای خوردن نداریم. برای آوردن آب باید ۲ کیلومتر پیاده روی کنیم، تا به چشمه برسیم. دولت باید برای ما جاده عمیق بزند، قنات های ما را لایروبی کند و تراکتور در اختیار ما بگذارد، تا هر محصولی که بخواهد، تولید کنیم. اگر این کارها را بکنند، تمام زمین های دیم ما تبدیل به آبی می شوند و ما می توانیم بیشتر تولید کنیم تا به آمریکا محتاج نباشیم."

حمام روستا به صورت خزینه و قدیمی است. وضع راه روستا بسیار خراب است. به طوری که در اوایل زمستان بسته می شود. روستای تاج آباد سفلی، در این ناحیه روستاییان به تمام وجود بهاری جنگ زدگان و دلاوران جبهه ها شافته اند. چنان که اهالی در بسیج ثبت نام کرده اند و پهنه بر هم به عنوان داوطلب خود را معرفی کرده اند، تا از انقلاب پشتیبانی کنند. همچنین اهالی ۲ تن نان و ۳۰۰۰ ریال وجه نقد به جنگ زدگان کمک کرده اند.

اراضی بزرگ مالک در تاج آباد سفلی ۱۲۰ هکتار بود، که در پاییز گذشته توسط هیئت واگذاری زمین واگذار گردیدند. البته واگذاری اراضی فعلا فقط برای اسامی بود تا کشت نشود. باقی نماند. دهقانان بی زمین و زمین هم زمین ها را کشت کردند و خواهان واگذاری قطعی و قانونی آن ها هستند.

روستاییان زحمتکش تاج آباد سفلی نیز با مشکل عمده، یعنی کمبود آب و وسایل تولید کشاورزی روبرو هستند. هر سه قنات روستا احتیاج به لایروبی دارند. یکی از دهقانان در مورد آب مشکل فوق می گوید:

"ما احتیاج به آب و وسایل تولید کشاورزی، تراکتور، بونجه چین و کمباین داریم. اگر این ها برسد، می توانیم زمین های بایر را زیر کشت ببریم و فرمان امام را اجرا کنیم. بنابراین، با توجه به این که اعلا کشاورزی ایران منوط به محو بزرگ مالکی و قراردادن وسایل و امکانات در اختیار روستاییان است، نهاد های مسئول باید این امکانات را در اختیارشان قرار دهند تا روستاییان زحمتکش در تولید بیشتر کوشا باشند."

تاج آباد سفلی مدرسه ۵ کلاس دارد. حمام دوشی روستا احتیاج به تعمیر دارد. در روستای گنده چین، منقشی خدمت های ۵۶ خود را برای شرکت در جبهه معرفی کرده اند. اهالی ۱۰۰۰۰ ریال وجه نقد به جنگ زدگان باری رسانده اند.

دهقانان گنده چین نیز به مانند روستاییان سایر روستاهای سیمینه رود به وسایل تولید کشاورزی، چون تراکتور و کمباین و نیز آب نیاز وافر دارند. تمام اراضی این روستا به وسیله ۳ قنات و رودخانه آبیاری می شوند، که آب رودخانه هم در تابستان و فصل اصلی کاشت و داشت کم می شود.

شورای ده نیز به وسیله نامه ای از بخشداری درخواست احداث سلی بند بر روی رودخانه کرده است، که طبق گفته اهالی، همه ساله خسارت زیادی به روستا وارد می سازد. بدین لحاظ اهالی خواهان احداث سلی بند با منحرف کردن آب آن از وسط ده هستند.

در این زمینه یکی از اعضا شورا می گوید: "ضمیمه مراجعه به نهاد های انقلابی موافقت نامه را از این نهاد ها و نیز اداره بهزیستی گرفتیم، ولی می گویند که بودجه این کار تامین نشده و ما بلا تکلیف مانده ایم. منحرف کردن آب رودخانه خواست اصلی ماست زیرا با زندگی ما بازی می کند. در گذشته زمین مرکز بهداشت روستایی

تاسیس گردیده، لیکن فاقد امکانات و وسایل کافی و پزشک است. در روستا مدرسه ۵ کلاس ابتدایی و راهنمایی وجود دارد. روستای اختاجی نیز به مناسبت جنگ تحمیلی صدام علیه ایران ۵۰۰۰۰ ماره ریال به جنگ زدگان کمک کرده اند. روستاییان زحمتکش روستا، علیرغم مشکلات، هستی خود را در خدمت به مبارزان و نیز آسیب دیدگان از جنگ قرار داده اند، زیرا راهی خود را در بی اثر کردن توطئه های آمریکا و تمعق انقلاب می دانند.

دهقانان اختاجی نیز با کمبود آب و وسایل تولید کشاورزی روبرو هستند. اهالی اراضی را با گاو شخم می زنند و بدین علت همساله مقداری از زمینها کشت نشده باقی میمانند. قناتهای روستا نیز کور شده اند و نیاز به لایروبی دارند. در این روستا حمام دوشی بوسیله جهاد سازندگی ساخته شده، که این امر موجب خوشحالی اهالی گردیده است. در اختاجی مدرسه ابتدایی وجود دارد، لیکن از مدرسه راهنمایی خبری نیست. ۴۰۰ نفر از محصلین راهنمایی سرگردان هستند. راه روستا خراب است و با اولین برف زمستانی بسته میشود.

در چشم کبود نیز اهالی آماده شرکت در بسیج عمومی هستند و عده ای هم بعنوان داوطلب خود را معرفی کرده اند. تاجان خود را نشان انقلاب کنند.

در چشم کبود هم مانند سایر روستا های سیمینه رود، دهقانان با مشکل فقدان وسایل و امکانات تولید کشاورزی و کمبود آب روبرو هستند. در این روستا تراکتور وجود ندارد. ۳۰ قنات روستا کور شده اند. اهالی از جهاد سازندگی تقاضای لایروبی قنات ها را کرده اند، لیکن تا حال رسیدگی نشده است.

حمام روستا به صورت خزینه و قدیمی است. وضع راه روستا خراب است و نیاز به مرمت و ترمیم می یابد. در روستای چشم کبود از درمانگاه خبری نیست. در روستا مدرسه ۴ کلاس وجود دارد. بچه در روستای ارومند روستاییان به تلاش به منظور تقویت جبهه مشغول هستند. در این روستا منقشی خدمت های ۵۶ خود را معرفی و به جبهه اعزام شده اند. همچنین اهالی حدود ۳۰۰۰۰۰ ریال وجه نقد کمک کرده اند.

بزرگ مالک ارومند حدود ۱۰۰۰ هکتار قلمزار و زمین روستا را غصب کرده بود. یکی از دهقانان در مورد این بزرگ مالک و اراضی غصبی وی می گوید:

"این مالک الان در عراق مشغول خرابکاری است. او یکمتر به ما ظلم کرد و قرار کرد. حالا که بهاری امام انقلاب شده و حق ما به خودمان رسیده، آبادی و نماینده سابق مالک ما را از اذیت و حتی تهدید می کنند، ولی اگر ما هم بکشند نمیتوانند زمینها را بگیرند."

بی زمیندار ارومند خود زمینها را گرفته و کشت کرده اند. این زمینها را میدارند که هیئت واگذاری زمین هر چه زودتر کار واگذاری اراضی را بصورت قطعی و قانونی به انجام رساند. میزان آب روستا بسیار کم است و قنوات آن، ۵ رشته هستند. احتیاج به لایروبی دارند. حمام روستا بصورت دوشی است که به بخشداری ساخته است. در این روستا درمانگاه و پزشک دارد و وجود ندارد. همچنین دهقانان بهتر تراکتور نیاز دارند تا زمینهای بیشتری را شخم بزنند و بزیر کشت ببرند.

روستای چشم قصابان، در این روستا اهالی آدمگی خود را جهت شرکت در بسیج عمومی اعلام کرده و برخاستار حدود ۳۰۰ تومان کمک نقدی کرده اند. تامین آب یکی از خواسته های مهم اهالی است. خواست دیگر دهقانان چشم قصابان تدارک وسایل تولید کشاورزی برای آنان است. زیرا در این روستا تراکتور وجود ندارد. حمام دوشی با خود بهاری اهالی و بخشداری ساخته شده است. وضع راه روستا خراب است و احتیاج به ترمیم دارد.

بقیه در صفحه ۴

راه را بسوی گ و تعمیق کیفی انقلاب

است، دوست را از دشمن، آگاهانه تشخیص دهند، تسلیم شانتازها نشوند و بویژه صف خود را از انحصارطلبان و قشریون، از افراطیون ناگانه و کوتهمین، از ارتجاع ضد-مستضعفین، از روحانی-نایبان آمریکازده، مجزا و مشخص کنند. اکنون، به حکم منطق انقلاب، صف لیبرالها و خواستاران سازش با دشمن داخلی و خارجی آشکارتر و نقش موربانه‌ای آنها مشخص‌تر شده است. در این شرایط باید، بخاطر علاقه به سرنوشت انقلاب، بخاطر گسترش و تعمیق کیفی آن، تشخیص داد که چه عناصری زیرنام اسلام و انقلاب، خط امام خمینی، انقلاب را آگاهانه یا ناگانه تضعیف میکنند، مشکل می‌آفرینند، قانون جمهوری اسلامی ایران را زیر پا می‌نهند، ناراضی می‌تراشند، خود را رایی و خیره‌سری می‌کنند. بخاطر عشق به انقلاب و پیروزی آن باید دید و آگاهانه دید که، در زیر سایه تعلقی تصنیی به خط امام خمینی و پیروی ظاهری از آن، بختی نیز در کار آن است که به جان انقلاب افتد و آنرا خفه کند.

این امام خمینی است که توجه همه مسئولان امور و دست‌اندرکاران را جلب میکند و میگوید که توجه سوابق افراد باشد و ببیند که این سوابق چگونه است، زیرا ممکن است کسانی ریش هم بگذارند، تسبیح هم بدست بگیرند و جلوی شما نماز هم بخوانند، اما...

در این زمینه نیز، هشدارتر و قاطع‌تر از هر کسی، رهبر انقلاب اثرات "سو" فعالیت آن عده از روحانی-نایبان را که "خرقه آنها مستوجب آتش است" و عملاً به نام اسلام و انقلاب در کار جمهوری اسلامی ایران و پیشبرد انقلاب اخلال می‌کنند و بهانه دست دشمن میدهند، فاش ساخته است. امام خمینی آنها را با عبارات "آخوند درباری"، "آخوند ساواکی" نامیده و همه انقلابیون را از افتادن در دام آنان برحذر داشته‌اند.

روز عید غدیر امسال، مصادف با ۲۷ آبان ۵۹، امام خمینی گفتند: "برخی از این آخوندهای درباری که ما را نصیحت می‌کنند بپایند و به اسلام برگردید، اینها اسلام را نمیدانند چیست. اینها اسلام را جز خوردن نمیدانند... آخز تو برو به اسلام برگرد، تو بیا بفهم اسلام چیست."

روز ۲۷ آبان امسال، امام خمینی طی سخنانی، هشدار دادند و مرزها را مشخص کردند و گفتند: "وقتی ملا و معمم مهذب نباشد، فسادش از همه کس بیشتر است. در برخی روایات است که درجه‌نم، اهل جهنم ارتفعن برخی از آنها در عذابند".

انقلاب برای آن که نیرومند و پیروز شود، باید حساب خود را از بختی که فسادش بیشتر است و تخفشن دنیا را که هیچ، جهنم را

بپیگرانه و با حوصله، در جهت این اتحاد دوران ساز به طور خستگی-ناپذیری می‌زنند. تمام این نیروها در برابر صف "جبهه براندازی" قد علم کرده‌اند. اینک آشکار است که دو جبهه در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند. نبرد این دو صف، یک واقعیت بارز و ملموس و روز بروز آشکارتر جامعه‌ماست. در واقع لایه‌بندی اجتماعی در دوران تعمیق انقلاب وصف‌بندی سیاسی برای تعیین سرنوشت انقلاب باین شکل ویژه، در شرایط مشخص، بیان شده و تبلور می‌یابد.

صف‌آرایی برای تعیین سرنوشت انقلاب و یافتن پاسخ به این پرسش تاریخی که: "بالاخره کدام طرف پیروز خواهد شد؟"، به سرعت انجام میشود. آیا "جبهه براندازی" با تکیه بر ضدانقلاب و تفرقه‌انگیزی، بر سر تحرک و هوافرینی، با ساختن خطر موهوم از کونسم و سوسیالیسم و توده‌های یعنی ارباب و شانتاز، از راه قاطعی کردن دوست و دشمن و پیاده کردن خط برزیسکی، خواهد توانست برمدافعت انقلاب غلبه کند؟ (که به عقیده ما نخواهد توانست)، یا "جبهه پایداری و پیشرفت" با تکیه بر اساسی‌ترین هدفهای انقلاب و حیاتی‌ترین خواستهای توده، زحمتکش و با طرد همه نقاط ضعف و ناراستی‌ها و اشتباهات و انحصارطلبی‌ها و دفع همه دست‌انزها و بهانه‌ها، خواهد توانست روح و جان و توان و استعداد کلیه انقلابی‌های بالفعل و بالقوه را بسیج کند و بدینوسیله دشمنان انقلاب را سرکوب کند و موریانه انقلاب را از پیکر انقلاب بزاید و جاده‌صاف کن امپریالیسم و طاغوت و استعمار را برای همیشه از کار بیاورد؟ (که به عقیده ما اگر هشیار و متحد باشد، خواهد توانست).

در این مصادف، غلبه "لیبرالها" و متحدانشان به مسخ و شکست انقلاب خواهد انجامید، و پیروزی انقلابیون خواهد اخلال امام خمینی به گسترش و تعمیق کیفی آن. صحنه اصلی نبرد برای تعیین سرنوشت تکامل آتی انقلاب، در اینجا است.

دوم نیروهای اصل اسلامی پیرو خط امام خمینی، که از روحانیت متعدد شرقی و آگاه گرفته تا گروههای مذهبی را در برمی‌گیرد. این نیروها با درک راستین و مردم‌گرایانه اسلام واقعی و محمد و علی، درسیج توده مردم و حفاظت از انقلاب نقش درجه اولی را به عهده دارند و نهادهای انقلابی را به سلاحهای موثر و کارایی به منظور دفاع از دستاوردهای انقلاب و پیشبرد آن، به مشارکت فعال در صحنه نبرد با "جبهه براندازی" کشیده‌اند.

سوم نیروهای اصل هوادار سوسیالیسم علمی، که تمام نیرو و هم خویشی را در خدمت انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما قرار داده‌اند و در جهت هشیاری و تشکیل توده مردم و درجه‌ت آگاه شدن و موثر شدن ارگانه‌های انقلابی، در جهت تقویت صف مقاومت و مبارزه، میکوشند و با فداکاری و ایثار و صداقت انقلابی کم‌نظیری، علیه همه مشکلات موجود، در دفاع از انقلاب و تعمیق آن به مسود توده‌های زحمتکش فعالیت میکنند و با درک اهمیت تاریخ‌ساز اتحاد همه نیروهای خلقی و استقلال طلب

صف انقلاب باید پاک و منزه باشد

طبقاتی دارند. اینها اسلام و شریعت را بدنام میکنند و با هرگونه تدبیر ترقی‌خواهانه و بنیادی به سود زحمتکشان مخالفند؛ پنجم اقشار ممتاز سابق و آنچه باصطلاح "طاغوتی" خوانده میشود و از جمله برخی از صاحبان مناصب عالی در رژیم گذشته و روشنفکران خودفروخته و خودباخته، که در منجلاب شیوه زندگی آمریکائی و جامعه معروف "مصرفی" غرق شده‌اند و قلبه امید خود را در افق انقلاب نی‌یابند؛ ششم سازمان‌های مختلفی که در جریان تسخیر جاسوسخانه آمریکا ماهیت آنها برملا شد و طی افشاکاری‌های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام معلوم شد که امپریالیسم آمریکا به آنها چشم امید دوخته است و آنها نیز برای سازش و تسلیم آماده‌اند؛ هفتم انواع تریچه‌های یوک یا گروههای مائوئیستی-آمریکائی، که زیرنقاب "چپ" عمل می‌کنند، ولی آب به آسیاب راست افراطی می‌ریزند و در واقع ستون پنجم امپریالیسم هستند و جمله برداری مائوئیستی آنها تنها پوششی است برای خدمت مستقیم به ضدانقلاب؛ هشتم گمراهان، و بازی خوردگان، که به علل مختلفی قادر به دیدن واقعیت امر نیستند و فریب حیلها و اغواگری‌های گروههای مختلف قبلی را خورده‌اند. چه بسا که اینها نخواهند در راه ضدانقلاب گام بردارند و نخواهند در توطئه براندازی شرکت کنند، ولی بعلت گمراهی و بازی خوردگی، بدنبال آنها کشیده میشوند.

دوم نیروهای اصل اسلامی پیرو خط امام خمینی، که از روحانیت متعدد شرقی و آگاه گرفته تا گروههای مذهبی را در برمی‌گیرد. این نیروها با درک راستین و مردم‌گرایانه اسلام واقعی و محمد و علی، درسیج توده مردم و حفاظت از انقلاب نقش درجه اولی را به عهده دارند و نهادهای انقلابی را به سلاحهای موثر و کارایی به منظور دفاع از دستاوردهای انقلاب و پیشبرد آن، به مشارکت فعال در صحنه نبرد با "جبهه براندازی" کشیده‌اند.

انقلاب باید خود را از بندهای قشری‌گری و انحصارطلبی، که به جدائی نیروهای منجمد و اهداف و خصلت انقلاب را تخطئه می‌کند، رها سازد، تا بتواند بمسوی قلمه‌های بازمه رفیع‌تر تعالی و تکامل بال بگشاید، شکوفان و بارور شود و تمام شورها و استعدادهای مومن و انقلابی، متحد و ترقی‌خواه را جلب و بسیج کند.

وضع کنونی چنین است که مرتبا و هر روز آشکارتر، جانبداران توتف انقلاب و خواستاران حفظ نظام سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی و سازش با آمریکا، انواع و اقسام گروه‌های متعابله این نظام "واین سازش"، همه آن‌کسانی که وابستگی را بر وارستگی ترجیح می‌دهند و غرب‌زدگی را تمدن می‌شمرند، نوک تیز پیکان حملات خود را علیه "خط امام خمینی" متوجه کرده‌اند، اگر چه در سخن از آن نام نمی‌برند. آمریکانیز برای ایجاد "دولتی معقول، معتدل و میانه‌رو" به این آدم‌های "عاقل و غیر افراطی" چشم امید دوخته است.

"لیبرالها" در کمن انقلاب نشسته‌اند و گروهبانهای مائوئیستی آمریکایی گوناگون، به آنها کمک می‌رسانند. در مقابل، همه انقلابیون صدیق و هواداران تعمیق و تحکیم انقلاب، همه کسانی که خواستار ایجاد نظام انقلابی نوین به‌سود زحمتکشان علیه استعمارگران، به‌سود مبین انقلابی، علیه امپریالیسم غارتگر و سلطه‌جو هستند، به درستی دریافته‌اند که وظیفه حساس و فوری‌شان شکل به دور رهبری قاطع و مدبرانه و روشن-بشانه امام خمینی، دفاع از گسترش و تعمیق انقلاب است. آمریکا و دستیاران و همکارانش از چنین وظیفه‌های وحشت‌ناک و مرگ‌بارند و علیه آن توطئه می‌کنند.

بیش از پیش، دو صف یا دو جبهه را، رودروری یکدیگر، در مسئله سرنوشت انقلاب و راه آینده مبین ما می‌توان تشخیص داد: در یک‌سوی صف مخالفان انقلاب قرار دارد، که می‌توان آنرا "جبهه براندازی" نامید و در سوی دیگر صف مدافعان انقلاب، که نام "جبهه پایداری و پیشرفت" بر آن برانزده است.

"جبهه براندازی" طیف بسیار وسیعی را در برمی‌گیرد، اگر چه در بین توده مردم زحمتکش به عنوان قشر اجتماعی پایگاهی ندارد؛ نخست ضد انقلاب مستقیم، ام از آشکار و پنهان، داخلی و خارجی، وابستگان به رژیم سرنگون شده؛ دوم سرمایه‌داران بزرگ و زمین-داران بزرگ، که منافع غارتگرانه طبقاتی خویش را در معرض فساد می‌بینند و به هیچ‌وجه با انقلاب سازش ندارند؛ سوم لیبرالها و تمام آن‌هایی که میخواهند از درون، موریانه‌سوار، انقلاب را بیوسانند و با آمریکا همراه سازش و تفاهم "معقول و منصفانه" برسد و خصلت خلقی انقلاب و تکیه آنرا به مستضعفین، از آن سلب کنند، و در نهایت، جاده‌صاف کن سرمایه‌داری و بزرگ مالکی و امپریالیسم بشوند؛

چهارم بخشی از روحانی‌نماهای وابسته به طبقات غارتگر، و عاظ السلاطین، آن‌هایی که با خود بزرگ‌مالک و بزرگ سرمایه‌دار هستند یا با آنها مناسبات نزدیک و پیوند

انقلاب بزرگ ما در یک مرحله تاریخ‌ساز از تکامل خود، با توطئه آمریکا - لیبرالها و متحدان‌شان روبروست که می‌خواهند حکومت انقلابی را براندازند و دولتی به‌قول خودشان "معقول، معتدل و میانه‌رو" را بر سر کار بیاورند، دولتی که از نظر آمریکا نتواند "واقعی" باشد و "طرف مذاکره" قرار گیرد! و از نظر سرمایه‌داران غارتگر داخلی و زمین‌داران بزرگ و همه طاغوتیان و واسی‌مندان رژیم گذشته "موجه و قابل قبول" باشد!

مگر نه این است که ریگان، رئیس جمهوری آمریکا، طی نطقی در لوس آنجلس، تردید کرده است که "آیا واقعا دولتی در ایران وجود دارد؟" و در مصاحبه با هفته‌نامه "یونایتد استیتس نیوزاند ریلد ریپورت" گفته است: "برقراری رابطه با ایران وقتی ممکن است که عناصر میانه‌روتری در ایران روی کار آیند!"

لیبرالها و مائوئیستها در برابر هواداران خط امام خمینی

انقلاب ما اکنون با موریانه‌لیبرالی دست و پنجه نرم می‌کند و سرنوشت آن بسته به این است که آیا انقلابیون هوادار خط امام خمینی خواهند توانست بر دسایس و توطئه‌های دشمن و همچنین بر نقاط ضعف و ناراستی‌های خود، که بهانه به‌دست دشمن و لیبرال‌ها و متحدانشان می‌دهد، فائق آیند یا نه؟

در هنگامه این نبرد سرنوشت‌ساز، خط هارو زیموریز متمایزتر و جبهه‌ها لحظه به لحظه مشخص‌تر می‌شود. هشیاری، روحیه انقلابی، حضور دائمی و مشارکت فعال میلیون‌ها نفر در رویدادهای انقلابی و آیدیدگی و تجربه ناشی از توطئه‌های ضدانقلاب و ناشی از جنگ تحمیلی، این تمایز را سریع‌تر و نتیجه قطعی هم‌اوردی را حساس‌تر می‌سازد.

تمایز خط‌ها و جبهه‌ها به‌ویژه، و بیش از پیش، به‌دور مسئله مرکزی مداوم خط امام خمینی یا انحراف از آن صورت می‌گیرد و اتحاد موضع، در این باره، به حلقه‌گرمی درزنجیر تمام مسائل، جبهه‌ها و سنگرها بدل شده است. در این میان، نقش‌فقالو بر بار بخش بزرگی از روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی، که در نبرد علیه رژیم "طاغوت" و علیه "شیطان بزرگ" شکل گرفت، اکنون نیز در مقابل توطئه‌های ضد انقلاب وابسته به امپریالیسم، ستون پنجم آمریکا و لیبرالها و سازشکاران، به سود مستضعفان جامعه و "وارثین زمین" اهمیت فراوان کسب می‌کند. به همین جهت، هرآنچه که به درستی در جهت خط امام خمینی انجام می‌شود، طبق سیاست ژرف و اثری جدی در روند تکامل جامعه و در رویارویی همه‌نیرو-های انقلابی در برابر دشمنان انقلاب و پشتیبان‌شدگان از انقلاب باقی می‌گذارد، و باز هم به همین جهت تمام گردوغبار انحصارطلبی و محافظه‌کاری و قشری‌گری مستقیما بر نام انقلابیون پیرو خط امام خمینی بی‌سینند و به حساب ماهیت و خصلت انقلاب ما نوشته می‌شود.

انقلاب برای آن که پیروز شود و گسترش یابد، از جمله موظف است صف خود را از هر چه منام انقلاب انجام می‌شود، ولی سرشتی انحصارطلب، قتری و محافظه‌کار دارد، جدا کند، تا پاکیزه و بی‌رشد شود هرگونه دست‌انز را از دشمن بگیرد.

طبی و قشری گری ای گسترش انقلاب بگشایم

جدا کند، واجزه
با تکیه به صورت
با لباس، خود را
جایزند.
مخیمنی است که روز
روشن و واضح به
میکنند و میگوید:
که مهم است و اسم
روحانی گذاشته، موافق
کرارا گفته‌ام که روحانی
سلک روحانیت و اسلام
و توطئه‌گر باشد، این
دتر است. قصبه این
ن بگویم هرکه عمامه
این مورد تأیید است.
سیاریشان متغیرم و به
استعداد ندارم."
نتر چگونه می‌توان بیان

پختگی که باید از آن نجات یافت

اکنون دیگر تشخیص صفتی که آشکارا
در مقابل گسترش و تعمیق کیفی
انقلاب ایستاده، تشخیص موریانه‌ها،
کار زیاد دشواری نیست. با کمی
دقت می‌توان از آن فرد سربازداری
که برای نظام غارت "آزاد" سینه
چاک می‌کند گرفته، تا آن مافوقیست
گستاخ و ماسک‌داری که تازه مسلمان
شده، از آن شخص غریب‌زده منحط و
افسون شده، ظواهر تباهی آور شیوه
زندگی آمریکایی گرفته تا تربیت
شده مدارس ویژه وابستگی به
آمریکا، از آن "متخصص" فرادادهای
که علم را در برابر انقلاب قرار
می‌دهد گرفته، تا "سیاستمدار" یکی
خود را "مقول و معتدل و میانرو"
مهر می‌کند - عناصر مختلف صف
پرجنجال موریانه‌ها را تشخیص داد.
مردم انقلابی ما، در کوره صاف
از خویش بلوغ و پختگی فراوان
نشان می‌دهند و دیر با زود، آسان
با دشوار، ولی به مرحله، این
افراد و نیروها را می‌شناسند. همه
آن‌ها که هوادار انقلابند، عزم جزم
کرده‌اند، تا انقلاب را از گزند
محفوظ دارند و خط امام خمینی را،
در تمام ابعاد ژرف زندگی آفرین
ضد امپریالیستی، مردمی، پویا و
پیشرونده خود پیروز گردانند.

اما در درون صف انقلاب، برای
تشخیص تهدیب از تعفن، تأیید
از تنفر، هنوز کاری جدی باید
انجام گیرد. بدین سخن، اگر
دست لیبرال‌ها، دیگر بطور عمده،
روشنه، در مورد عناصر دیگری که از
موضع ارتجاعی یا گمراهی افراطی،
ماهیت خط امام خمینی را تحریف
می‌کنند، با انحصارطلبی و قشری‌گری
خود بهانه بعد دست‌دشمنان می‌دهند،
مردم را ناراضی و ناامید می‌کنند،
هنوز مطلب بیان اندازه روشن
نشده‌است.

از آنجا که درست همین انحصار-
طلبان، قشریون، روحانی‌نمایان و
ندانم‌کاران هستند که با موضع‌گیری‌ها
و تدابیر و اقدامات ارتجاعی، افراطی
و ناخبردانه خود دستاویز برای
لیبرال‌ها می‌تراشند و کزک به دست
آن‌ها می‌دهند، روشن شدن این
جهت از مسئله نیز اهمیت جدی پیدا
می‌کند.

ملا توجه کنید به مسئله حیاتی
المدین کیانوری، دبیر
مرکزی حزب توده ایران،
شش و پانزده آذرماه ۵۹
دوایم که نیروهای
هوادار جدی جمهوری
ن و خط امام هستند،
منفی و زیان‌بخش این
را عمیقاً درک کنند و با
جهت جلوگیری از این
افراط‌هایی بکوشند که
و هوادار انقلاب را

و مهم پاکسازی ادارات و موسسات
که پس از انقلاب برای طاغوت‌زدایی
و روختن وابستگی‌های گوناگون تاجه
اندازه ضروری بود و چگونه به‌همان
علت قشری‌گری و انحصارطلبی دچار
انحرافات جدی شد. از یک سو
بسیاری از ساواکی‌ها، وابستگان به
دربار، پس مانده‌های طاغوت،
مخالفان انقلاب و خرابکاران با
تغییرظواهر، با تظاهر به مسلمانی،
به زور ریش و تسبیح، ماندگار شدند
و از سوی دیگر انبوه کثیری از
معتقدان به انقلاب و متعهدان نسبت
به استقلال کشور و جمهوری اسلامی
ایران - که با خون خودنیز تعهد و
اعتقاد خویش را امضاء می‌کنند -
تنها به همان علل قشری‌گری و انحصار
جوئی اخراج شدند و انقلاب از نیرو-
ها و استعدادهای انقلابی بسیاری
محروم ماند. آموزش و پرورش نمونه
فاجعه‌آمیز آن است. نظایرش را در
همه موسسات می‌توان یافت.

باتوجه کنید به مسئله مهم
نهادهای انقلابی و نقش تاریخ‌ساز
و افتخارآفرین بسیاری از آن‌ها نظیر
سپاه پاسداران و جهاد سازندگی و
هیئت‌های ۷ نفری و نهضت سواد
آموزی و کمیته‌های انقلاب و غیره،
که بازم در بسیاری موارد علیرغم
تصریح این که این نهادها وابسته
به گروهی یا در انحصار اشخاص
نیستند، به جای آن‌که قابلیت
پذیرش همه عناصر موثر من به انقلاب
را پیدا کنند و مرکز تجمع و عمل
گلیه انقلابیونی گردند که با تمام
وجود خود را وقف انقلاب کرده‌اند،
عناصری مشکوک و افرادی ناپاب نیز
تنها به‌علت تظاهر به "مکتبی"
بودن، یقه دراندن تصنیفی وسینه
به تنور چسباندن فرصت طلبانه،
توانستند وارد آن‌ها شوند. چقدر
علاکدر این نهادها برخاسته از
بطن مردم و از جوشش انقلاب می-
توانست غنی تر و برابرترا باشد، اگر
انحصارطلبی‌ها و قشری‌گری‌ها موانعی
ایجاد نمی‌کرد و عناصر ناپاب و مشکوک
به درون آنها نفوذ نمی‌کردند.

درست است که این نهادها، در
مجموع خود، وظیفه بزرگ پاسداری
از انقلاب و مبارزه با توطئه‌های
ضد انقلاب و با پایه‌گذاری سوزندگی
را در این با آن زمینه به عهده
داشته‌اند و نقش شایان‌تخصیسی نیز
ایفا کرده‌اند. ولی انحصارطلبی‌ها
و قشری‌گری‌ها، شرکت فعال و پرثمر
بسیاری از عناصر موثر من به انقلاب و
فداکار در راه اهداف آن را در عمل
غیرممکن ساخت. انحصارطلبی‌ها
و قشری‌گری‌ها در درون این نهادها
امکان داد که عناصر وابسته به
ضد انقلاب، مشکوک و ناپاب و حتی
درومردی ساواکی‌ها هم با تظاهر
افراطی به مذهب، در آنها راه‌یافتند
و به این نهادها، به اعتماد مردم
و به آنها، به انقلاب، از پشت خنجر
زند. بی‌جهت نیست که بارها و
بارها امام خمینی در جهت تصفیه
و تزکیه آنها توصیه کرده‌اند.
امام خمینی در گفتار خود با اعضای
"شورای عالی تبلیغات اسلامی"،
این نکته مهم را به این صورت
پادآوری کرده‌اند:

"نه این که ما نمی‌دانیم که الان
گرفتاری‌هایی داریم و اشخاص فاسدی
هستند که در همه ارگان‌ها نفوذ
کرده‌اند، در همه کمیته‌ها، در همه
دادگاه‌ها، در همه جاهای دیگر نفوذ
کرده‌اند و برای خاطر مشوح کردن
این جمهوری کارهای خلاف می‌کنند"
(۱۶ بهمن ۱۳۵۹).

حیاتی- اگرچه روزمره گزائی و
کمبود کالاها و چگونگی برون رفت
از این بست‌های اقتصادی و دشواری-
های اجتماعی. عده‌های کلاش و زود
به هنای واقعی کلمه، که از خسوس
مردم تغذیه می‌کنند، به نام بازاری
"مدین" گوی مردم را گرفته‌اند
و می‌فشارند. آنها با تقرب و
نزدیکی به این مقام و آن مرجع،
در این و یا آن کمیته، زورگویی
می‌کنند و نمی‌گذارند مردم زحمتکش
از برکات انقلابی که متعلق به آنها
است، برخوردار شوند. کوشش‌های
مشولان متعدد و نهادهای انقلابی
هم در زمینه حل مشکلات، ثمره
دلخواه را نمی‌دهد، چون بدون
استفاده‌گزاردن برنامه‌ها و راه‌حل-
های عرضه‌شده، عدم بهره‌گیری از
نیروهای موجود، به علت همین
قشری‌گری، انحصارطلبی و ترس از
شانناز، مانع می‌شود و، در نتیجه،
عده‌های استوارگر، حتی بارها بیش
از زمان طاغوت، سود به جیب
می‌زنند.

باتوجه کنید به مسئله مهم
آزادی‌های دموکراتیک و حقوقی که
قانون اساسی برای افراد کشور و
برای احزاب و سازمان‌ها و گروه‌ها
و انجمن‌های سیاسی و اجتماعی در
نظر گرفته است. عدم احترام به
این اصول، که بر همان انحصارطلبی
و قشری‌گری متکی است، موجب
شده است که لیبرال‌ها - این جاده
صاف‌کن‌های امپریالیسم - میدان‌دار
شوند و خود را "قهرمان" "آزادی"
گلیه "حقوق بشر" جا بزنند. همه
می‌دانند که اگر این نیروهای مخالف
انقلاب، کارها را قبضه کنند، بی-
تردید راه را بر رژیم اختناق و زور
خواهند گشود، زیرا جلوگیری از
رشد انقلاب و خاموش کردن مردمی
انقلابی، جز با توسل به وحشیانه-
ترین اسلوه‌ها و تروریسم دولتی
امکان پذیر نیست. و اینها - خواهند
یا نخواهند سجاده صاف کن فاشیسم
نیز خواهند بود. اما چون انحصار-
طلبی‌ها و قشری‌گری واپس‌گرایانه
چنان عمل کرده است که قوانین
جمهوری اسلامی ایران و موازین
دموکراتیک خدشه‌دار می‌شود و حتی
برخلاف نظر و دستور و سخن مقامات
مسئول، دفاتر احزاب بسته شده، مقر
روزنامه‌ها اشغال و تخریب شده،
کتاب‌فروشی‌ها سوزانده شده و
چماق‌دارها به جای پاسداران و
دادگاه‌ها عمل می‌کنند، همین
لیبرال‌ها امکان و دستاویز یافتند،
تا خود را "دمکرات" و "آزادخواه"
قلمداد کنند. اگر واقع امر را بنگرید،
عمل انحصارطلبان و زورگویان
قشری، برای مخالفان انقلاب و
لیبرال‌ها بگ مائده آسانی و غیر
منتظره بود.

چه بسا و بدون تردید در بسیاری
از این موارد، گرداننده اصلی این
گونه تجاوزات، همان عناصر سازمان
پافته ضد انقلاب و ساواکی‌ها هستند،
که در قیافه هواداری از خط امام
خمینی و به نام "حزب الهی"،
توطئه‌ها را به راه می‌اندازند، جنجال
می‌آفرینند، زدو خورد ایجاد می‌کنند،
مردم را ناراضی و بدبین می‌کنند و
آنوقت، بخش دیگری از "جبهه"
براندازی به میدان می‌آید و دنبال
همان اجرای وظیفه راه می‌گیرد. هر
آنچه را که روی داده است، به پای
جمهوری اسلامی ایران می‌نویسد، از
بدبینی و باس حاصله همانند زمین
باروری سوء استفاده می‌کند و در آن
بذر مخالفت و خصومت با انقلاب را
می‌پاشد.

مثالها را در مورد عواقب سوء و
نتایج بسیار منفی قشری‌گری و
انحصارطلبی می‌توان، متأسفانه،
ادامه داد. با این مثالها اهمیت
خطری که از درون صف انقلاب را
تهدید می‌کند، روشن می‌گردد.
این خطر را نباید دست کم گرفت
و به پیامدهای آن توجه نکرد.
اگر بختک قشری‌گری و انحصار-
طلبی موفق شود به روی انقلاب
افتد که به عقیده ما به علت
هشیاری انقلابیون و بیداری مردم
نخواهد توانست - موجب خفگی و
ناپودی آن خواهد شد و راه را
برای لیبرال‌های "مقول، معتدل
و میانرو"، که این همه آمریکا
برایش آمی‌کشد، باز خواهد کرد.
علاقتمندان به سرنوشت گسترش و
تعمیق انقلاب باید جلو این خطر
را بگیرند.

رفیق نورالدین کیانوری، دبیر
اول کمیته مرکزی حزب توده ایران،
در همان جلسه "پرسش و پاسخ" گفته‌است:
"مسئله مبارزه با اشتباهات و
زیاده‌روی‌ها و اجحافات کدرنهاده
های انقلابی انجام می‌گیرد، در
این لحظه، دارای اهمیت فوق‌العاده
مهم اجتماعی- تاریخی است و
می‌باید آنرا خیلی جدی بگیرند و
امکان ندهند که نیروهای هوادار
انقلاب در نتیجه این نوع اشتباهات
افراطیون، به سمت مقابل بروند."
درواقع هم فعلاً تمام امید
لیبرال‌ها به همین رانده شدن نیروها
به سمت آنها و میوه چینی از شرارت
اشتباه، زیاده‌روی، اجحاف و افراط
است. درست به همین علت، تیشهای
که زده می‌شود، می‌تواند به ریشه
بخورد. درست به همین علت است
که باید ریشه را نجات داد و تیشه
انحصارطلبی و قشری‌گری را از دست
مظاهرین و انقلابی نمایان گرفت.

پشتیبانی از خط امام خمینی

بنابراین، سرنوشت انقلاب
می‌طلبد که آشکارا و با شهامت
حساب‌ها را روشن کرد. نباید اجازه
داد که، عناصری به اسم یا در لباس
روحانیت و اسلام، صف‌ها را مخدوش،
روشها را معیوب، تصمیمات را مغلوب
و مردم را ضیون سازند. مردم، در
درستی، "روحانیت مبارز پیرو خط
امام خمینی"، و نقش مهم آن را در
روند انقلابی تشخیص داده و بر سینه
روحانی نمایان دست رد گذاشته‌اند.
مردم به عمق سخنان امام خمینی
درباره "عاط‌السلطنین، بی‌برده‌اند،
مردم وقتی فریاد می‌زنند: "روحانی
خط امام - بر تو درود، بر تو سلام -
به حق بر خط امام خمینی، که خط
فارق بین روحانی اصیل و طرفدار
اسلام راستین با روحانی نمای
آمریکائی، طاغوتی، ساواکی، اربابی
و لیبرالی است، تکیه می‌کنند.

این درایت امام خمینی و هشیاری
خلق پندی است برای همه انقلابیون.
همه ما باید ببینیم که، چه در لباس
روحانیت و چه به نام جانبداری از
انقلاب، عناصر و افرادی عمل می‌کنند
و خود را در صف انقلاب جا می‌زنند،
که بیگانه از انقلابند.

انکارپذیر نیست که عده‌های واپسگرا
که ریزه‌خوارخوان استعمار و باط
اربابی و سرمایه‌سالاری هستند،
عده‌ای متحجر، که هرگز دوران خود
را درک نکرده‌اند، عده‌های قشری که
به ماهیت و سرشت تعالیم انسانی
اسلام راستین هرگز پی نبرده‌اند و
از آنچه تعلیم گرفته‌اند، هرگز چیزی
عمیقاً نیاموخته‌اند، عده‌های خودمحور-
بین و انحصارطلب، که تنها علت

موجودیت خود را فنای دیگران
- حتی همزمان - و تنها شرط مطرح
بودن و در صحنه ماندن خود را،
راندن دیگران - حتی همسنگران -
میدانند، سعی می‌کنند که خود را
در صف انقلاب وارد کنند.

اما، انحصارطلبان و قشریون
افراطی، هر قدر تسبیح طولانی
به دست گیرند و ریش انبوه برچهره
نهند، یا در پشت فتاوی و احادیث
خود را پنهان کنند، نباید جایی
در صف انقلاب داشته باشند و شکل
و شمایل خود را بر آن دهند. اینها
بختکی برای انقلابند و بالقبوسا
می‌توانند آنرا خفه کنند. اگر لیبرال‌ها
موریانه انقلاب‌اند و میخواهند آنرا
بیوسانند و از هم فروریزند، از سوی
این بختک نیز، و به نحوی دیگر،
انقلاب مسخ و از محتوای واقعی خود
تهی میشود و به ریشه آن تیشه
می‌خورد. باید حساب این بختک را
هم از خط امام خمینی جدا کرد، تا
انقلاب سترون نشود، پایگاه عظیم
مردمی خویش - مایه حیات خود -
را از دست ندهد و همچنان سرزنده
و پویا و متکی به سرچشمه لایزال
مردم باقی بماند.

ما به خزعلات پلید هرزه‌درایانه
امپریالیستی و ضدانقلابی درباره
"حکومت ملاحا" و "استبداد
آخوندی"، که منجلیه از رادیوهای
غربی واپسی و بختکار فضا را آلوده
می‌کند، کاری نداریم. ولی برای
گسترش و تعمیق کیفی انقلاب اهمیت
حیاتی دارد که مردم ایران، در تمام
وسعت عظیم خود، درک کنند که
ارتجاع دشمن مردم و ترقی، و متکی
به زور و زر و تزویر است، هر چند
بکوشد به اسم اسلام جلوه کند.
مردم باید در عمل ببینند که این
ارتجاع هیچ ربطی به اسلام راستین
و انقلابی ندارد، استکبار است و خط
مردم و دشمن استکبار است و خط
امام خمینی، در عرصه ما، مظهر آن
"روحانیت مبارز پیرو خط امام"
آن است.

ارتجاع تنها می‌تواند این اسلام را
بدنام کند و نامبندگانش را در چشم
مردم خوار نماید.
انحصارطلبی نیز، هر چند به نام
انقلاب بخواد جلوه کند، هیچ
ربطی به قاطعیت انقلابی ندارد.
انحصارطلبی، دشمن احترام به
عقاید راهگشای انقلابی و آزادی و
تشریک مساعی آگاهانه سازندگان
ایران انقلابی، دشمن اتحاد همه
نیروهای متنوع انقلابی و حکومت
مردم مستقیم است.

نمایندگان قشری‌گری و انحصار-
طلبی، با نمودارهای این طرز فکر و
عمل، چون به نام انقلاب عمل
می‌کنند، می‌توانند صف‌ها را مخدوش
کنند و حرکات غلط و اقدامات
نادرست، غیرقانونی و حتی ضد-
انقلابی را به پای انقلاب بنویسند
در نتیجه آن را بی آبرو و مردم را
سرخورده و مایوس گردانند. اثر
بسیار منفی انحصارطلبی و واپس-
گزائی و قشری‌گری در همین بل گرفتن
لیبرال‌ها و سوء استفاده مخالفان
انقلاب است.

انحصارطلبی را قاطعانه مرد کنیم

پس انقلابیون واقعی، همه بیرون
خط امام خمینی باید به هوش باشند
و در دام اعمال فشارها و شاننازها
نیفتند.
نباید از یاد برد که، هر اقدام
ناستجیده و هر تصمیم غلط این محافل
بقیه در صفحه ۷

سیرت در کار و زندگی کارگران چراغساز

«در زمان جنگ توقعی از دولت نداریم»

دولت باید با کمک به تأسیس تعاونی و قراردادن کارگران چراغساز تحت پوشش قانون کار، آنها را در ایجاد یک زندگی بهتر یاری کند.

نداریم»

و وقت مردم گرفته نشود، خوب است. وی در مورد علت حمله رژیم صدام به ایران، می گوید: «مانظور که معلوم است، این جنگ از طرف آمریکا است. من به پیروچه حاضر نیستم کشورم را به دشمن بدهم. اصغر شیشه گران، پیرمرد نادانی است که در خیابان آذربایجان، میدان «رشدیه»، چراغساز دارد. وی هفتاد و شش سال سن دارد می گوید: «از بچگی زیر دست پدرم کار کردم. مال روزی پنجاد شصت تومان درآمد دارم. خودم راننده توانم اداره کنم. ۲ سوغات دارم. وی در مورد اتحادیه می گوید: «عضو اتحادیه هستم و جواز اتحادیه هم دارم. هر دفعه می روی اتحادیه، از من پول می گیرند. شرکت تعاونی هم نداریم. در مورد کمک به جنگ می گوید: «خیلی کمک ها کردم. بتوادم پسته، رادیو و خیلی چیزها دادم. دوتا پسر هام رفتند به جبهه. هوشنگ کمالی، ۲۳ ساله، صاحب چراغساز خیابان ایرانمهر، در مورد تغییر وضع خویش بعد از انقلاب گفت: «وضع ما نسبت به قبل از انقلاب تغییری نکرده است، ولی من از انقلاب راضی هستم». او در مورد اختلاف کونوسی در جامعه گفت: «ناحیه این اختلافات آنهاست هستند که منافقان از دست رفتند و می خواهند به هر ترتیب شده، جمهوری اسلامی را زمین بربند. وی در مورد گرانی اظهار داشت: «جنس الان کم است. حتی اجناس مربوطه مثل ما، البته دولت تقصیری ندارد. در حقیقت همه ایران زیر سربازاری هاست که با احتکار کردن اجناس، آنها را به چند برابر قیمت حقیقی آن می فروشند. او در مورد کمک به جنگ گفت: «برادرم در جبهه است. من مقداری لباس برای برادرانی که در جبهه جنگ هستند، تهیه کردم و بوسیله برادرم به جبهه فرستادم. نوروزی، صاحب مغازه چراغ-

تصیر کاران چراغ و ساور زحمتکشان هستند که از صبح تا شام کار می کنند و علیرغم کارشکل خود، در آمد ناچیزی دارند. در نتیجه تبدیل ساورهای نفتی به ساورهای برقی و همچنین به علت رایج شدن چراغ های گازسوز، صنف چراغساز نیز ناچار است که خود را با این تغییرات در وسایل حرارتی وفق دهد. آن ها علاوه بر تعمیر ساور و چراغ، به تعمیر لوازم خانگی دیگری مانند بخاری، چراغ گازهای کوچک، آبگرمکن و همچنین تعمیر کتری های جزئی نیز می پردازند. بعضی از آنها ساورهای برقی نیز تعمیر می کنند. اعضای این صنف از مزایای شغلی محروم هستند. اتحادیه های دارند که غیر فعال است و فقط به آنها جواز کسب داده است. بیشتر کارگران از کار این اتحادیه بی خبرند. کارگران بیمه نیستند و شرکت تعاونی ندارند. برای آشنایی با مشکلات کارگران چراغساز و خواست هایشان، به چند مغازه چراغساز رفتیم و با آنها به گفتگو نشستیم. «با ناصر کمالی»، ۴۳ ساله، صاحب چراغساز «سید»، واقع در خیابان البرز، صحبت می کنیم. وی در مورد وضع زندگی می گوید: «قبلا دکان نداشتم و کنار خیابان بودم. جواز تهیه نکردم. ۲۵ سال است چراغساز هستم. صبح می آیم و تا تاریکی شب کار می کنم. روی هم رفته ماهانه حدود ۳ هزار تومان درآمد دارم. من باید خرج ۲ نفر را بدهم. وی در ادامه سخنان خود گفت: «میزان تصمیمات من پنج ابتدایی است. وضع مالی پدرم بد بود و نتوانستم ادامه تحصیل بدهم. من به علت نداشتن جواز، عضو سندیکا نیستم و بیمه هم ننداشتم. فقر جبهه و بهداشت و دفترچه برای خرید از شرکت های تعاونی ندارم. اگر فقط بخوایم چراغ و ساور درست کنیم، زندگی ما تأمین نمی شود. بخاری آب گرمکن هم درست می کنم. چون ساورها بزقی شده بخاری های گازسوز تبدیل شده است. درباره انقلاب می گوید: «هیچ انقلابی در جهان نیست که بی اشکال باشد. انقلاب یعنی دگرگونی، برنامهمان می خورد و باید تحمل کنیم. ما گرفتار دشمن داخلی و خارجی هستیم. بزودی دولت برنامهمان درست می شود. من فکر می کنم بیشتر جرائم در اثر تأمین نبودن زندگی بوجود می آید. سرقت، جنایت و خیانت بیشتر در نتیجه محرومیت اتفاق می افتد. باید برای مردم کار تهیه شود، تا بتوانند زندگی خویش را تأمین کنند و احتیاج به تقلب و زدنی و احتکار در کسب نداشته باشند. اگر اجناس هم درست توزیع شود

ساز نوروزی، که در زیر پله ای در خیابان سلیمان واقع است، می گوید: «باوام بانکی یک خانه خریدم. ام یعنی آن زمان که ۲۰ هزار تومان در بانک می گذاشتم و دوستان هزار تومان می گرفتند، خانه خریدم و ماهانه مبلغ ۴۵۰۰۰ ریال پول قسط خانه می دهم. عضو سندیکا هستم. از حقوق بیمه و بازنشستگی برخوردار نیستم. او در مورد خواست های شرکت: «در زمان جنگ هیچ خواستی ندارم. اگر کمکی بخواهند ما بکنند، باید بدهند به جنگ زدگان. ما بعد از خاتمه جنگ خواستهایمان را اعلام خواهیم کرد. در ادامه این گفتگو، با قاسم رضایی ۲۶ ساله، که صاحب چراغساز رضایی است، به گفتگو نشستیم. وی درباره وضع زندگی گفت: «یک خانه را با برادرم شریک. هر کدام از دواتاق استفاده می کنیم. برای خریدن خانه از بانک وام منصفی گرفتیم و ماهانه باید مبلغ ۲۳۱۰۰ ریال بابت قسط خانه بپردازیم. الان چند قسط آن عقب افتاده است. او در دنباله سخنانش اظهار داشت: «عضو اتحادیه هستم، ولی سه سال است از آن خبری ندارم. اتحادیه شرکت تعاونی برای خرید ندارد و حتی نفت هم بهمانی دهد. او در مورد خطرات ناشی از کار چراغساز گفت: «این کار خطرات زیادی دارد. دود نفت و دود نشادر ما را آذینت می کند. آتش سوزی هم خطری است که دائماً با ما تهدید می کند. ما همیشه هستیم و نه دفترچه درمانی داریم. گاهی برای یک مرتبه باید دوستان سه صد تومان خرج کنیم. با خیابان نظام آباد، با چراغساز دیگری بنام احمد رضایی به گفتگو نشستیم. وی ۲۵ ساله است و در این کار ده سال سابقه کار دارد. قبلاً کارگر مگانیکی بوده است. او گفت:

کردیم. او گفت: «۱۳ سال است که اینجا کار میکنم. روزانه حدود ۱۰ تا ۱۲ ساعت کاری کنم و تکفل پنج نفر از عهده دار هستم. تقریباً روزی صد تومان درآمد دارم، یعنی از هر صد تومان درآمد من ۶۰ تومان می گیرم و ۴۰ تومان بقیه متعلق به صاحب مغازه است. او در مورد انتظارات و خواست های شرکت گفت: «من هیچ انتظاری ندارم، یعنی هیچ زمانی از هیچ کسی انتظار نداشتم جز بازوهای خودم. دلم می خواهد سالم باشم و کار کنم. اومی افزایش: «آنهاهی که علیه حکومت اسلامی اقدام می کنند، اشخاص خود فروختهای هستند. راجع به این اختلافات هم همینگی است. کارگران چراغساز، علیرغم فشار زندگی ناشی از کم حقوق و کثرتی روز افزون، چشم امید به انقلاب دوخته اند و از آن قاطعانه دفاع می کنند. آنها کارشان سخت و طاقت فرسات. در هر لحظه با خطر جدی، چون ابتلا به بیماری یا بوی آتش سوزی مواجه هستند. با این حال بیشتر آنها از حق بیمه محرومند. بسیاری است که مسئولان امر باید با اقدامات اصولی و منطقی سروصورتی به زندگی آنها بدهند. می توان کارگران این صنف را از نظر بیمه های اجتماعی تأمین کرد و این کار تنها با همکاری و رایگان کردن خدمات درمانی امکان پذیر خواهد بود. از سوی دیگر، کارگران با کمبود وسایل ضروری کار روبرو هستند. احتکار و تهاجرت، کارهای بزرگ، کالاها را احتکار کرده اند و از عرضه آنها به بازار خودداری می کنند. دولت می تواند: اولاً: بملی کردن بازرگانی خارجی، مواد و وسایل ضروری را خود تهیه کند و بوسیله شبکه دولتی تعاونی در اختیار مصرف کنندگان قرار دهد. ثانیاً: دولت می تواند از طریق پرداخت وام به اتحادیه کارگران چراغساز، تدارک تأسیس یک شرکت تعاونی را به منظور از این طریق با نازل ترین قیمت وسایل و لوازم کار در اختیار کارگران بگذارد. اینها نمونه های از اقداماتی است که در شرایط خاصی می توان انجام داد. ولی با این حال اغلب کارگران بخت داشتن کار خصوصی، از امکانات رفاهی چون حق اولاد، حق مسکن و بازنشستگی نمی توانند برخوردار شوند. می توان با ایجاد مجتمع ها و با کارگاه های دولتی، از تجربه های خدمات آنها استفاده کرد و از این طریق آنها را زیر پوشش قانون کار قرار داد.

سیمینه رودی ها ...

بقیه از صفحه ۳ در یکی دیگر از روستاهای بزرگ سیمینه رود، یعنی بهادریک هم منصفی خدمت های ۵۶ خود را معرفی کرده و به جبهه جنگ با تاجران صدامی اعزام شده اند. یک نفر هم شهید شده است. همچنین اهالی ۱۰۰۰۰۰۰ ریال و جبهه نقد و پنیتر و نان کک کرده اند. در بهادر بیگ، بزرگ مالک روستا ۱۱۵ هکتار زمین آبی داشت، که این زمینها بوسیله هیئت هفت نفری به خوش نشینان واگذار شد. اراضی مذکور بوسیله خوش نشینان بزرگشت رفت. در مورد آب یکی از دهقانان می گوید: «اگر برای ما چاه بزنند و آب در اختیارمان بگذارند، تمام محصولات مورد نیازمان را میتوانیم کشت کنیم، ولی حالا مجبوریم فقط دیم بکاریم و چشمانمان به آسمان باشد تا بجان چندین بارهم از اداره آبیاری تقاضای حفر چاه عمیق کردیم، ولی ترتیب اثر ندادند. یکی دیگر از دهقانان می گوید: «اگر چاه آب بزنند، می توانیم دامهای خود را نیز نگاهداریم، در حالیکه الان مجبوریم آنها را فروزا بفروشیم». در روستای بهادریک مدرسه ابتدایی و راهنمایی وجود دارد. حمام دوشی هم بوسیله جهادسازندگی ساخته شده است، لیکن با اینکه بهادریک روستای بزرگی است، فاقد درمانگاه است.

براه انداختن کارخانه های وابسته به معدن ایراتکوه، گامی است در جهت خود کفایی

در روستاهای فوق، در مجموع، ۸۰۴ خانوار خوش نشین زندگی میکنند این خانواده ها فاقد زمین هستند و سالیان متداری فقر و محرومیت را باگوش و بیوست خود حس کرده اند. در نظام انقلابی جمهوری اسلامی ایران باید زمینهای برخورداران را به نفع مردم و برای این خوش نشینان فراهم کرد. در این خصوص لازم است، علاوه بر اجرای قانون اصلاحات ارضی و تثبیت مالکیت دهقانان بی زمین، زمین بر اراضی واگذار شده، تعاونی های واقعی تولیدی ایجاد گردد و وسایل و امکانات کار کشاورزی در دسترس این دهقانان قرار داده شود، تا سرتاسر اراضی را احیا کنند. در تلاش بمنظور راهی این روستاهای از فقر و محرومیت، باید نهادهای مسئول قوت را لایروبی کنند، چاه عمیق و نیمه عمیق حفری نمایند، تا از این طریق آب مورد لزوم برای آبیاری اراضی فراهم گردد. در این زمینه نهادهای مذکور میتوانند باید از اطلاعات و تجربه عملی متخصصان مومن به انقلاب، که مادگی خدمت بزرگمکشان را دارند، استفاده کنند. در خصوص تأمین آب و آبیاری نهاد مسئول پس از حفر چاه و لایروبی قنوت باید موجودی آب هر منطقه محکم و کیف آن را دقیقاً بررسی کند و بیلان صحیح مصرف سالیانه را تعیین و مشخص نماید. راههای جلوگیری از هدر رفتن آب را پیدا کند و بر حسب طرح منظم و اصولی

و در واقع هزینه معدن در حال حاضر بوسیله وادولتی تأمین می شود. معدن دارای دو کارخانه نیمه تمام است که سوندی ها قبل از انقلاب کار ساختن آن را آغاز کرده بودند و با پیروزی انقلاب، ایران را ترک و کارخانه ها را بحال نیمه تمام رها کردند. یکی از کارخانه ها در افزایش تولید معدن تا چند برابر موشور است، و کارخانه دیگری مخصوص خرد کردن سنگ است. امتیاز این کارخانه نسبت به کارخانه های مشابه اینست که، از سنگ خرد شده دارای عیار معدنی با ثبات، می توان در راه سازی استفاده کرد. مقامات مسئول باید برای برآه انداختن دو کارخانه نیمه تمام، با شرکت سازنده وارد مذاکره شوند. در صورتی که آنها مایل به احیای کارخانه ها، باید هر چه زودتر از کارخانسان ایرانی ویا کارشناسان خارجی از کشورهای دوست انقلاب ایران، برای پایان بخشیدن به کار ساختن کارخانه ها دعوت به عمل آید. با توجه به اینکه مور معدن توسط وام دولتی اداره می شود، راه اندازی دو کارخانه مزبور می تواند کمک بزرگی به مرخوب کفایی معدن و بسبب کردن کار دولت بکند.

چرا روزنامه جمهوری اسلامی به ادعای خود عمل نمیکند؟

«ما فکر نمی‌کنیم این درست باشد که حزبی دست‌های گروهی برای آنکه خود را بالا بکشد تا آرمانهای خود را در جامعه عملی سازد، با سلاح اتهام و تهمت به میدان بیاید.»

این جمله‌ایست که در سرمقاله دیروز روزنامه «جمهوری اسلامی» زیر عنوان «بستگی برادرانه به نماینده میخوانیم» از آنجا که ما نیز منتقدیم که نباید حزبی یا دسته‌ای با سلاح اتهام و تهمت میباید بیاید، توجه سرمقاله‌نویس ارگان حزب جمهوری اسلامی را جلب نمیکند. اولاً خود مرتکب همان «هنکری» شده است که بدتر است، سرمقاله را برای «نهی» آن نوشته. لگنا در همان «نقله شیشه‌های افتاده» است که خود بدتر است، کوردها منتهمه شده پدان را نشان داده‌است.

حرف درست را برای عمل کردن و تصالبین قراردادن میزند و گرنه سوری از آن عاید جامعه و پیشبرد انقلاب نخواهد شد. لاقال مردم در صداقت گویند تردید خواهند کرد. اصولی هم که احترام بدان‌ها را لازم میبینند باید دستورالعمل روش و مضمون همگان را از جمله گویند قرار گیرد و گرنه از اصولیت آنها چیزی بجای نخواهد ماند و لاقال مردم درصاقت آن شک خواهند کرد.

روزنامه جمهوری اسلامی» در سرمقاله دیروز خویی که طی آن با چهار نماینده لیرالها بحث میکنند و منظور آنها را از تشکیل میتینگ روز پنجشنبه گذشته میشکافد، به درک و بیان پایگاه طبقاتی آنها (مسخکوی مست و گروه و طبقه‌ای که در مقابل مستمعان جامعه قرار دارند) نزدیک میشود و آنچه از همه مهمتر است، عمدتاً سئوالها را از یاد نمی‌برد و آنها را در مقابل این سئوال‌ها قرار میدهد: آیا دشمن بزرگ ایران آمریکای جانیست که هست یا خیر؟ ولی متأسفانه در همین سرمقاله، «مقدمه» بیان آن اصل درست و این نتیجه درست، تهمت کهنه را تکرار میکند و مینویسد: «گروهک جاسوسی حزب توده»

این سلاح اتهام و تهمت» که روزنامه «جمهوری اسلامی» با آن به میدان آمده، زمینه‌ساز حزب در آن گروهی از زرمندان راستین بیرو خط امام خویی و مخالفان یا سطره امپریالیسم برکوسوما و معتقدان به حقانیت توده‌های مستقیم گردآمده‌اند، نیست؛ شایسته حزبی که میخواهد امید توده‌های مردم انقلابی ما را به یاسی تبدیل کند و قصد تضعیف پایگاه خلقی انقلاب را بدارد، نیست؛ میراننده ارگان مرکزی حزبی که سخن از تقوای سیاسی و اخلاق اسلامی میگوید و باید خود سرمشق آن باشد، نیست. مگر نه اینست که شما سراستا توسل به اتهام و تهمت را بعنوان سلاح بالاکتیدین خود برای عملی‌ساختن آرمانها طرد می‌کنید اگر مردم و حتی معتقدان به حزب جمهوری اسلامی، این زندگی و شایستگی و پرازندگی را در ارگان مطبوعاتی حزب جمهوری اسلامی نمیبینند، حق خواهند داشت نسبت به ادعای که در این ارگان بیان میشود و سخنی که با بهره‌گیری از تمام وسایل ارتباط جمعی گفته میشود تردید کنند. و این‌سود انقلاب مانیتست؛ نه تصالبان علت که به جمع هم نیروهای انقلابی سر به میزند، بلکه از آنجا که اعتقاد و تمسک مردم زحمتکار را در دفاع از انقلاب بست میکند.

سست کردن اعتقاد مردم و دلتیجه متزلزل کردن آنها، راههای مختلف دارد که در برخی از آنها لیرالها سخت استنادند، ولی برخی دیگر از راهها، از جمله زیربنا نهادن اصولی که خود اعلام میکنند و نفس سخنی که خود میگویند و ارتکاب نمیکری که خویی آفران نبی میکنند، از آن شیوه‌هایست که «دکابری» منفی فراوان دارند و احتراز از آنها وظیفه انقلابی و انسانی و اخلاقی همه کنایست که به اصولیت، صداقت، منونیت و تقوی یاور دارند.

حزب توده ایران چهل سال سابقه سیاسی دارد و در کوردها آزمایشهای مپیبل تقریبی آیدیده شده است. ما نظیر این تهمت و افترای «گروهک جاسوسی» را از دربار شاه ملعون شنیده‌ایم؛ از سوارک پرورده «صیبه» شنیده‌ایم؛ از تمام‌سنگاه تبلیغاتی مامور استحمار شنیده‌ایم؛ از سرمایه‌داران بزرگ، و محترکین و واسطه‌های کلان، که خون میلیونها مردم را میکشدند و می‌کندند، شنیده‌ایم؛ از بزرگ‌مالکان غارتگر و قاسد، که شیریه جان میلیونها دهقان تهمی‌دست را میدیشیدند و میدوشیدند، شنیده‌ایم. ولی همه میدانند که حزب ما از راه خود، که راه استقلال ایران و آزادی مردم و رهائی زحمتکاران از یوغ استثمار رشکوفانی

باطر داتحصار طلبی...

پیش از منحه

و اقرا، از آنجا که تظاهر و تقرب و خوندنمای از اصول کار این گروه است، مستیما و عملا بحساب هروحوالیات مبارز یورو خط امام خویی نوشته میشود و عواقب سوء نارضایانهای ناشی از آن، دامتکر این میشود. آیا این خود راهی برای خراب کردن و بیستقار کردن هروحوالیات مبارز یورو خط امام خویی

و بیروزی همه تهمیستان و اعتلا و سریندی ایران بوده و هست، دست نکشیدمایم. بیادست بسیارکسان هم که سالهای ستادیاز دربار و سواراک و سیا و دستگاه تبلیغاتی رژیم وابسته و ملعون گذشته همین تهمتها را نسبت به ما شنیده‌اند، تکرار آنها شایعیرایشان‌غای شده است. به‌آن‌خوگرته‌اند، ملکه زهنتان شده است، یا بهتر بگوئیم، زنجیرگرانی بر دست و پای اندیشه و عملشان شده است، زنجیری که قدرت و شهامت رها کردن خویش را از آن، هنوز ندارد.

ولی آیا بالاخره باید تفاوتی بین عامل سیا و سواراک و مامور دربار و نوکر سرمایه‌دار و خان، با انقلابیونی که تحت تاثیر سالها تبلیغات زهرآگین قرار گرفته‌اند، بوجود آید یا نه؟ ما فکر میکنیم که باید بوجود آید و چه‌جا که هست، ولی در اکثر موارد آن شهامت مدنی، آن قدرت اخلاقی، آن روشن‌بینی، سیاسی، آن درک عمیق واقیبات انکارنشمنی، هنوز، بدست نیامده - شاید هم هنوز آن تجربه ضرور و مشخص گردآوری نشده - که آن نماین مسلم و آن تفاوت ماهوی، در این زمینه نیز، امکان بروز یابد و راهکشیای حکیم انقلاب و تمیق و گسترش آن گردد. ولی بالاخره این خود انقلابیونی که زیر پرچم مردم به تیرد ظلم و سروتوشتماز برخاسته‌اند، هستند که باید در این جهت گام بردارند.

دوسال از پیروزی انقلاب گذشته است. گرییم که شما از تمامی آن مبارزات حماسه‌آفرین‌توده‌هایم علیه امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم انگلستان خبر ندارید، یا قضاوت‌خاطر می‌نمایید. در اختیاران گذشته‌اند. گرییم که از نقش فعالیتهاییر دامت حزب توده ایران در سالهای گذشته بی‌خبرید یا اطلاعات مستخشفه را به شما افله کردمانده گرییم که شما از مسددهالیرانی مبین‌دوست، آزاده، شریف و زحمتکار، که به‌مثابه عضو حزب توده ایران، خون پاک خود را، با نهایت سریندی و افتخار، نتار راه استقلال و آزادی و ترقی ایران کردند و بدست زرخیمان دربار و سواراک و فرمان سیا و اینتلینجی‌سروسوس و مواد کشته شدند و مجرم‌متان، نه‌ملسوسی، بلکه قتل‌غلافه به سروتوش زحمتکاران و زندگی در مینهی مستقل و آزاد و آباد بود خبر ندارید، و یا این قبرنمانان فداکار را شناخته‌اید. گرییم که شما از مسددها و هزاران توده‌های که جمعا هزاران سال را در شکنجه‌گاههای رژیم‌شاه ملعون بسر بردند و چه‌بسیار بهیران شما در یک‌مسول یا یک زندان بوده‌اند و مردانه پای فشردند و مظهر مقاومت زرمجویانه خلق ما در برابر امپریالیسم رژیم وابسته و فاسد بودند، خبر نداشته‌اید، یا وقت تمایل برسوجو کردن و موختر را پیدا نکرده‌اید. گرییم که...

ولی شما دیگر نمیتوانید برسیاست و نقش حزب توده ایران در همین‌دوسالی که حزب جمهوری اسلامی را تشکیل داده‌اید و روزنامه «جمهوری اسلامی» را منتشر می‌کنید، چشم‌پهن‌بندید. نمیتوانید منکر شوید که روش‌مستور و سیاست اصولی انقلابی‌ماد دفاع از جمهوری‌اسلامی ایران، در مقیم گذاشتن توطئه‌هاییراندازی آمریکا، در دفاع از انقلاب و انجام همه کوششهای ممکن برای پیشبرد و تقویت آن، در برابر دیدگان شما نبوده‌اند. از آن خبر نداشته‌اید. بنابراین شما نمیتوانید، اگر انقلابی هستید و خود را صاحب اخلاقیات و اصولیت و تقوی میدانید، حق‌نقدارید سمرقنظر از هرگونه نفی‌سازای ایندولوژی-حزب توده ایران را «گروهک جاسوسی» بنامید. شما در برابر تاریخ، در برابر مردم ایران، در برابر سروتوش انقلاب، مانند همه، مانند همه افرادی که کشور انقلابی‌مستولیت‌خارید، شما نمیتوانید موختر فنادرید که تنها برای فرغ شبهه و تیری‌جستن از انگ «همکاری توده‌ها» و نفی این «خبر» مضحک، که در روزنامه «نامه مردم» و «جمهوری اسلامی» یکی خواهشید (!) و دو حزب یک روزنامه منتشر خواهند کرد (!) تسلیم شانتاز شوید و در آن نامی بیفتید که معلوم میشود یا سهارت لیرالها و مائوئیستهای، آمریکایی‌پرمن راهتان گسترده‌اند. آن هنگام که قلم سرمقاله‌نویس

چرخید و ستور شد و بصورت حجاج در آمدند و از راهی سراسر تهمت و افترای «گروهک جاسوسی» را بر روی کاغذ آورد به‌گودالی دراتحاد که صیبه، سواراک و دیزار شاه ملعون و تبلیغات امپریالیستی، سالهاست آنرا کتمه‌اند و اکنون لیرالها و مائوئیستهای آمریکائی و آمریکائی‌ها و رادویهای ضدانقلابی میکوشند با شانتاز و ارباب، انقلابیون مسلمان تمشد را بسوی آن هل‌دهند. و اینست درست‌همان «نقله شیشه‌های که، بدتر است، در سرمقاله روزنامه «جمهوری اسلامی» بدان اشاره میشود و اصل و نسب آن از لیرالها و روزنامه «میزان» و روزنامه «انقلاب اسلامی» و «تپست آزادی ایران» گرفته تا احمد غفصنفیروز و روزنامه «زنجیر و رادویهای اوسری و اختیار و مائوئیستهای چین و همکارشان آمریکا، زیر عنوان مشهور «نقله آیدولوژی» نشان‌داده میشود. شکفتا که، با شنیاری، این شهرنامه شانتاز و کوره راه «نقله شیشه» بیان میشود. ولی درست در همانجا که می‌بایست نتیجه‌گیری منطقی بعمل آید و با شنیات در برابر حملهٔ مرعوب‌کننده و سبیل افترا و برچسب‌زنی استقامت و پایداری نشان داده شود، عملا در دام گسترده می‌افتند و برای رفع انتساب «همکاری با توده‌هایم، از راهی تنگین و نشانیست «گروهک جاسوسی» را در سرمقاله روزنامه «جمهوری اسلامی» جای میدهند. با نوشتن این کلمات، بیندیشید که در کدام کورال اقدام‌اید به کدام گام قراتر آمدن‌اید؟ مویجات خوشحالی و شف جی‌کسانی فراهم کرده‌اید؟ نقشه کدام عناصر را عملی کرده‌اید؟ چه سوری به انقلاب رسانده‌اید؟

همین شب سمشبه گذشته، هنگامیکه صفحات روزنامه «جمهوری اسلامی» زیر چاپ بود، رادیوی اختیار، که خود، یگفته درست سرمقاله‌نویس، یکی از حلقه‌های زنجیر «نقله شیشه» و شانتاز است. گفت: «سرمقاله‌های متعدد روزنامه‌های «میزان»... و همچنین «انقلاب اسلامی»... (البته آن رادیوی ضد انقلاب نکفت که آقای رئیس جمهور، یگفته استنادار اسفهان، قبول مسئولیت دیزاره این روزنامه نکرده است - نامه مردم) «اگر تگوئیم همه، ۹۰ درصد به پروری و تحلیل خیانتها و سوساست‌نادهای آنان (حزب توده ایران) اختصاص دارد. چگونگی ماهیت حزب توده (ایران) و موشگرایی خائنان آن از اوضاع آشفته ایران در زمانهای مختلف جای تردید نیست»

از رادیوی اختیار این گفته عجیب نیست، بلکه کاملا در منلق اشاره است. ضدانقلاب باید که با حزب ما چنین برخورد کند و در خاتمه همین گفتار شب سمشبه دیزاره ماهیت خائن حزب توده کلسو بدراند و باز پیرساند و شانتاز کند. اگر غیر از این بود، ما به خود شک میکردیم.

اما انقلابیون دیگر چرا آنها که درست در نقطه مقابل رادیوی اختیار قرار دارند و ماهیتو جا و نقش آنها میشناسند؛ دیگر چرا؟ این نیست مگر نتیجه شانتاز، مگر ثمره «نقله شیشه» که بصورت کوشش برای راه‌نیدن گریبان‌خود از اتهام «همکاری با توده‌هایم» و به‌مشکل خشن اتهام و افترا به توده‌هایم درمیاید. دو سال از انقلاب ما گذشته است. تجربه‌فراوانی گرد آمده است. لاید این مدت نسبتا طولانی و بسیار طرفانی هنوز کفی نبوده است، تا همه چسپا را باز کند و واقعیتی و شنیاری را در همه عقول و صداقت و روشن‌بینی را در همه قلوب بیافریند. ولی بالاخره باید روزی فرا رسد که شنیات مدنی بر فشار شانتاز غلبه کند. باید روزی فرا رسد که صداقت انقلابی، بر اعمال فشار لیرالی و مائوئیستی، که چیزی جز فشار امپریالیستی نیست، فائق آید.

درست است که جوانه‌های چنین روند تاریضسازی پیدا شده و تجربه مردمی قهرمان، که انقلابی غلبه با انجام رسانده و در پاسداری آن‌چنان بر کفایسته‌اند، و در ذات شخصیت‌خانی انقلابی، میروند تا در پی درد تبلیغات امپریالیستی را ببرد و آوار خفه کنند. باقی مانده رژیم آریاسری و سوء قفاها را با یکناری زند، ولی هر روز که دیرتر شود، زیانمند است. هر گذشتی که به «نقله شیشه» لیرالها و مائوئیستهای آمریکائی

شود، به انقلاب و استحکام آن ضرره میزند. هر تملیمی که در برابر شانتاز عوامل آشکار و پنهان، آگاه یا ناآگاه امپریالیسم صورت گیرد، خطر تازه‌ایا متوجه انقلاب خواهد کرد. از این میان، نقشه و یگان جان میکرد و عناصر «معتدل» و «معتدل و میانه‌رو»، که می‌خواهند حکومت «معتدل» و مورد پسند و طرف‌مذاکره با آمریکا را برسر کار آورند، به میدان خواهند آمد. آسان میشود نوشت: گروهک جاسوسی و دشوار میتوان از عواقب آن، که تفرقه نیروها، انصاراطلیب و تضعیف مبانی انقلاب است، احتراز جست. پای تهمت و افترا و اتهام هم، مانند دروغ، پای کوتاه است و با آن نمیتوان طی طریق کرد. آنهم طریق دشوار و پرفریجه‌بربطراط ایرانیاتی انقلابی. تاریخ از همه افترا - زنان و تهمت‌سرایان بی‌سروقت است. دست آخر اوست که حقانیت را بیکسری خواهد شناسد. میادا که در آفریز منیون بانسیم و نزد وجدان خود شرمسار.

تجربه‌چیز نیکوئی است. بیاد دارید هنگامیکه ما میگفتیم گروهکهای افغانی، که به‌فام مبارز مسلمان بر ضد انقلاب آن کشور توطئه میکنند، «آمریکائی» هستند و شخص سیاحده گیلانی را اقتضا می‌کردیم که وابسته به امپریالیست و خود نماینده سکتکبرین ضد افغانی، منکر شدید. در خراسان کار را به آنجا کشانند که نماینده قدرت انقلابی، فعالیت بسیاری از آنها را ممنوع اعلام کرد و در همین شماره دیروز، روزنامه «جمهوری اسلامی»، گنزا و در ستون‌خاتمیای خود، اعتراف کرد که سید احمد گیلانی آمریکائی است و جز تماس با سادات خائن و سوسیالیست‌ها امپریالیست آمریکا هنری نداشته است. اما بجای آنکه شنیات نشان داده شود و اعتراف شود که ما در ارزیابی خود اشتباه کردیم، برعکس، برای پوشاندن این حقیقت، «حاشیه‌نویس» می‌نویسد که:

شاید فردا توده‌های خائن بوسند گفتیم افغانیا آمریکا ای کلام!

در شان خون‌نمیدانیم که با «حاشیه‌نویس» هیکلام شیوم و آنچه را که در نتار این واژه نسبت به حزب پراقتخار، سرینلد و همیشه وفادار بریم زحمتکار ربه میمن گرامی ما ایران نهفته است، باز گوئیم. ولی شما لاقال نشان دهید که در برای ادعای اخلاق اسلامی و ادعای نبی از منکر و ادعای تقوای سیاسی و ادعای نفی سلاح تهمت و اتهام واقعی وجود دارد. در تیرد انقلابی نه‌تنها در برابر دشمن، بلکه در برابر اشتهاات خویی نیز باید شنیات داشت. دشوار است، ولی برای یک انقلابی واقعی لازم است. اسال معلوم شد که ارزیابی پارسال شما دیزاره «مجاهدان» افغانی و سید احمد گیلانی درست نبوده و براتی این ارزیابی نادرست، سیاستی که برای انقلاب دو کشور و مردم دو کشور مفید باشند، اتخاذ شده است. تاکنون شنیات اعتراف به آن پیدا نشده است. اگرچه تاریخ نیرومند آنرا ثابت کرده است. اسال هم در روز ۱۲ اسفند ۵۹ مینویسد «گروهک جاسوسی» و توده‌هایم خائن، در حالیکه همانروز مدعی میشود که «فکر نصیحت‌دست باشد حزبی، دست‌های گروهی برای آنکه خود را بالا بکشد، با سلاح اتهام و تهمت به میدان بیاید»

آیا باید باز هم سالی دیگر بگذرد تا تاریخ نیرومند کند این سلاح افترا و دروغ و اتهام و تهمت راه، که چهل سال است توسط دشمنان مردم ایران بکار رفته و زنگار خورده، بر شما هم آشکار کند. بدانید که بیشتر بسود انقلاب خواهد بود اگر هرچه زودتر شنیات دور کردن شانتاز را پیدا کنید؛ هرچه زودتر شنیات طرد آشکارای برچسب زدن را با زبان انقلاب، نه با کلام بیاری گرفته از دشمن، پیدا کنید؛ هرچه زودتر از اخادن در گردالی که سالهاست صیبه، سواراک و دستگاه تبلیغاتی شاه ملعون و وابسته کنده‌اند و از دام لیرالها و مائوئیستهای آمریکائی، که شیومای که اصل و نسب و اختیاری و امپریالیستی و زنجیری، داره احتراز کنید. تاریخ نیرومند حقایق را بیکسری میشناسد. بسیاری از ایرانیان انقلابی ضد امپریالیست و ضد استعمار، استقلال‌طلب و آزادی‌خواه، که راه حزب توده ایران را برگزیده‌اند یا آنرا نیروی انقلابی می‌شنند و یا حزبی در خدمت انقلاب و مردم زحمتکار می‌دانند، از هم‌اکنون باین حقیقت باور دارند که یا گل اتهام و افترا، این حزب انموده نخواهد شد. اما چه بهتر که ما خود بیاری تاریخ رویم و شنیات آنرا بیابیم که در برابر شانتاز ضدانقلاب، سینه به سینه بایستیم.

ایمان راسخ به پیروزی صف انقلابیون پیگیری خط امام‌خینی را پشتیبانی و تقویت کنند و مطمئن باشند که در صورت اتحاد عمیق نیروهای متکی به مردم و مدافع انقلاب، دزسورت‌ختیاری و یقینان در دماهای عدیده دشمن و دشمنان دست‌نما، لیرالها، علیرغم تمام هارت و پورت‌شان، روایت داخلی و خارجی‌شان، متفق آمریکا به اعتدال میانه‌روری‌شان و امکانات چند بعدی‌شان، صف غلطی پیش از منحه

خبره‌پذیر و تضعیف کنند. در نتیجه اینکه آنها مسکست حسن‌نیت داشته باشند، مسئله‌ای فرعی است. عمده، سروتوش انقلاب و گسترش و تمیق کینی آن است. عمده، تهیه دیواروئی صف انقلاب است یا ضدانقلاب. انقلاب وظیفه‌حیاتی و میرم دارد که خود را از شر موریانه‌ها و پختک‌ها در امان نگه دارد و گرنه از هم خواهد پاشید و خفه خواهد شد. پیشقدم ما، انقلابیون ایران، قادرند این وظیفه را با انجام برسانند.

در این دیواروئی سروتوش‌ساز، تابع چنین طرز عملی کاملا آشکاراست. صحیح بر سر حسن‌نیت یا سوء نیت تخریون و انصارگران و گروه‌های تنگ‌نظر اقرامی و گرامش‌دگان خود. محوریین نیست. صحیح بر سر تابعی واقعی و عینی کار و شیوه آنهاست. گاه ممکن است که برخی از آنها، در نهانیت حسن نیت، عواقب سوئی بیار آورند که مردم را بدین و ناراضی و انقلاب را

حجت الاسلام محمد منتظری:

آمریکا، دشمن درجه اول ماست

حجت الاسلام محمد منتظری: عضو شورای عالی دفاع و نماینده مجلس شورای اسلامی ایران، طی یک مصاحبه با روزنامه کیهان (۱۲/۱۲/۵۹) به سئوالاتی در پاسخ به مسائل سیاسی روز، پاسخ گفت.

حجت الاسلام محمد منتظری در پاسخ به این سؤال که:

اخیرا گویا نامه‌ای از طرف شما به امام نوشته شده، آیا این مطلب را تأیید می‌کنید؟ اگر درست است لطفاً در مورد مفاد آن توضیح دهید؟

گفت: یک سلسله سئوالاتی را میدیدم که در ایران وارد میگردد و اینها مسائل حساس است. مسئله مربوط به این شخص یا آن شخص نیست. سئوالاتی بود مربوط به کل انقلاب اسلامی و ابیادی که بدان اشاره کردم و انقلاب اسلامی از آن برخوردار است. چون دیدم دارد به ابیاد ضد - امریالیستی و از آنطرف حاکمیت اسلامی خسته وارد میشود، از این جهت لازم دیدم که خدمت امام امت این مسائل را بنویسم و بعد مناسب دیدم که در اختیار برخی از برادران قرار دهم و تکثیر هم کردم که بدست دیگران هم

برسد. خلاصه این نامه این بود که در شرایط کنونی من میدیدم که دستجاتی هماهنگ عمل میکنند. یعنی مطالبی از طرف جنبه ملی، نهفت آزادی، مجاهدین خلق، مائوئیستها بخش میشود و همچنین دفتر هماهنگی یا ریاست جمهوری

اینجا هماهنگ عمل میکنند. در اینکه آن حساسیت ضد امریالیستی که مردم ما دارند، اینها منتقل بشود به داخل ایران و یک مسائل انحرافی در داخل ایران مطرح بشود که این کاملاً خطرناک است. ... آمریکا در گذشته در مبارزات ایران مطرح بود، مبارزات اسلامی بسیار شد - آمریکائی بوده و الان هم باید باشد و در گذشته کوششهای از طرف همان محافل میشد که آمریکا فراموش بشود، الان هم متاسفانه دارد کوشش میشود که فراموش بشود و ما نباید اجازه بدهیم. این است که من حالا زیاد جزئیات نامه یاد نمی‌دهم ولسی مجموعاً حول و حوش همین مسائل دور میزد. و از امام خواسته بودم که یک فکر جدی‌تری در برخورد با این مسائل بشود. خلاصه اینکه در نامه من نوشته بودم که کوششهایی که آمریکا برای تشویف دولت و سقوط آن می‌کند، جلوگیری بشود. و یا این تلاشهایی که میشود تا ارگان‌های انقلابی را از بین ببرند یا تضعیف بکنند و یا ارتش ما را سیاسی بکنند و از این سئوالات (البته این در نامه نیست).

اخیرا شنیده میشود یکسری از افسران خوب دارند صفیه میشوند و این صفیاهای است که البته ما در جریان هستیم که برخی از افسران بسیار خوبی که ارتش و فرماندهی ارتش به وجود آنها احتیاج دارد، اینها را از آن مسئولیتهایی که الان در دست دارند، خلع کنند و در یک جاهایی که توانند موثر باشند قرار دهیم. بایستی در ارتش اجازه دهیم همه نیروهای متعهد و موثقی هر چه سیرت رشد کنند و فعال شوند.

حجت الاسلام محمد منتظری در مورد موضع جمهوری اسلامی

حزب توده ایران - سازمان کرمان:

آقای حجتی کرمانی واقعیات را در گونه جلوه میدهد

جلوه میدهد

ضمن اشاره به حندهای مکرر حزب توده ایران در باره فعالیتهاى ضدانقلاب در کرمان پسرای به آشوب کشیدن محیط این شهر، از جمله آمده است:

در روز تسبیح چتره علی فدائی همگان شاهد بودند که انضام و هواداران حزب توده ایران در کرمان تلاش فراوان کردند تا از تسبیح و دیگری جلوگیری کنند و در حد امکانات خود مردم را به آرامش دعوت می‌کردند. همچنین در هنداری که در نامه «مردم» شماره ۱۱، صفحه اول، درج شده تسبیح مقامات مسئول به این امر جلب شده بود که عوامل ضدانقلاب در کرمان از جمله دو قس از کارمندان برق منطقه کرمان، اقدام به تشر و تکتیر اعلامیه‌های سراسر توهین و افترا به رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کردند.

متأسفانه آقای محمدجواد حجتی کرمانی، نماینده مجلس شورای اسلامی ایران در مصاحبه مطبوعاتی خود که متن آن در «میزان»، مورخ ۳۰ بهمن ۱۳۵۹، به چاپ رسید این روش اصولی انضام و هواداران حزب توده ایران در کرمان را نادیده گرفته و توهینها را به چاقبانی متم کرمه‌ست. این نکته نیز قابل توجه است که متن مصاحبه آقای حجتی کرمانی، توسط یکی از عوامل شناخته شده ضدانقلاب کرمان، که از طرفداران سرسخت مدنی است، در کرمان تکثیر شده

امیدواریم تکثیر این مصاحبه توسط عوامل ضدانقلاب در کرمان، آقای محمدجواد حجتی کرمانی را متوجه کند که چه کسانی از گفته‌های ایشان استقبال میکنند.

مزودوران سرمایه‌داران دفتر حزب توده ایران را در مسجد سلیمان غارت کردند

سرمایه‌داران و نمایندگان آنها لیرالها - که منقبات فریاد هوای آزادی سر دادماندوشنیا شب گذشته (۱۰ اسفند ۵۹) چند مزدور را شبانه به سراغ دفتر حزب توده ایران در مسجد سلیمان فرستادند. مزودوران ابتدا روزنامه‌ها، نشریات موجود در دفتر را به حیاط بردند و در آنجا به آه کشیدند سپس مستشرق دفتر خالی کردند و گریختند. پنهان این یورش مزدور سرمایه‌داران، رفقای ما در مسجد سلیمان به سپاه پاسداران شهربانی شکایت کردند. حزب توده ایران ضمن آتش این جنایت‌کنی جدید منافقان آزادی غارت، از ارگانهای انقلابی، بویژه سپاه پاسداران میخواهد که عاملان این عمل ضد انقلابی را دستگیر کنند و به مجازات برسانند.

بندتال مصاحبه مطبوعاتی آقای حجتی کرمانی، نماینده مجلس شورای اسلامی، که در روزنامه «میزان»، مورخ ۳۰ بهمن ۵۹، به چاپ رسید و طی آن انضام و هواداران حزب توده ایران در کرمان به چاقبانی متم کرمه‌ست. از سوی حزب توده ایران - سازمان کرمان اطلاعیه‌ای منتشر شد، در این اطلاعیه،



استیضاح نمایندگان پارلمان بریتانیا درباره پشتیبانی تاجر از «نیروهای واکنش سریع»

محافل اجتماعی و مطبوعات بریتانیا نگرانی خود را از تصمیم دولت محافظه‌کار آن کشور درباره شرکت بریتانیا در تدارکات نظامی واشنگتن در اقیانوس هند و در منطقه خلیج فارس ابراز میدارند. چند روز پیش خانم مارگارت تچر، نخست‌وزیر بریتانیا، در جریان دیدار خود از ایالات متحده آمریکا، پشتیبانی دولت خویش را از عملیات «نیروهای واکنش سریع» امریالیست آمریکا در این منطقه اعلام کرد. برخی از نمایندگان حزب کارگر، خواستار شده‌اند که خانم تچر در این باره در پارلمان توضیحاتی بدهد.

در پاکستان بیش از ۳۰۰ تن از میهن‌دوستان بازداشت شدند

روز ۱۱ اسفند، پزشکان، وکیلان مدافع و مملنان پاکستان، در پی فراخوان احزاب مخالف این کشور، برای شرکت در اعتصاب همگانی، دست از کار کشیدند. آنها، در تظاهرات خود، خواستار لغو حکومت نظامی و تفویض زمام حکومت به یک دولت غیرنظامی شدند.

از سوی دیگر، دانشگاههای اسلام‌آباد، لاهور و راولپندی تعطیل شدند. در روزهای اخیر، رژیم نظامی پاکستان بمسرح‌ومرکزیهای خود افزوده و به بازداشت بیش از ۳۰۰ تن از مخالفان اقدام برزیده است.

کسری بودجه در چین

خبرگزاری فرانس پرس، با استناد به آمارهای رسمی پکن، گزارش داد که، کسری بودجه چین در سال گذشته متجاوز از ده میلیارد «یوان» بوده است. از سوی دیگر، روزنامه «فاپینشال تایمز» خبر داد که چین

چهره تابناک انقلاب را شاداب و جذاب کنیم

این يك وظیفه مبرم و مهم است که انقلاب هیاترانه‌صفت خود را آشکار، صاف، بی غل و غش، رها از انحصارطلبی و قسری‌گری و فارغ از بختک مشخص کند، تا برای تیرد قاطع و پیروزمند با موریهانه‌ها آماده باشد. انقلابیون مسئول و متعهد بایند اجازه دهند که زیر نام خط امام خمینی، با تمام طنین انقلابی، شکوه و بار عظمی و انسانی هر پر برکت آن، سرچشمین و افرامیون ترک‌تازی کنند و پیامدهای ناشایست اقدامات انحصارطلبانه و قسری خود را به پای این خط و صف انقلاب بنویسند.

چهره تابناک انقلاب ما، آنگاه با تمام تلاخ خود نورافشانی خواهد کرد و توده‌های مردم را در سهمگین‌ترین نبردهای راهی بخش‌مشکل خواهد ساخت و به پیش خواهد برن که از زنگار موریهانه‌ها و تیرگی بختک‌ها پاک شده باشد. در این موقع که نبرد خط امام خمینی با لیرالها و یا همه سازشکاران «معتول، منتدل و میانه‌روی» باب طبع امریکائی امریالیستی، به گره‌هاگام‌نبرد اجتماعی و به تنگ‌مصلحت‌رودشتی انقلاب مبدل شده، نباید امکان داد که عمل و روش محافل و افراد انحصارطلب و قسری‌گرا، وسیله و پویه‌های برای لیرالها

باطرد انحصارطلبی...

بقیماز صفحه ۲ نمیتوانند بکنند، همانطور که واپس‌گرایان نیز، علیرغم تمام ظاهر سازبیا و عوام - فریب‌هایشان، راه بجائی نخواهند برد. این دیگر هیچ راز جنگی یا رمز نظامی ناشناخته‌ای نیست که، اگر هندستان و یاوران دشمن به لباس دوست در صف ما جا خوش کنند، یا با تکیه به ظواهر، خود را دوست جا بزنند، نه تنها در لحظات حساس نمیتوانند خرابکاری کنند و سنگرهای رابه‌دشمن بسازند، بلکه قادر خواهند بود که در میان دوستداران انقلاب تخم یاس و بدبینی بپاشند و نامیعی دلسردی و سرخوردگی را رواج دهند و نظریات و اعمال خود را بنام انقلاب، وسیله بی‌اعتبار ساختن آن کنند.

وقتی صف انقلاب بملت زیاددروی، انحصارطلبی، قسری‌گری، کسج‌روی و اشتباه، ضربه‌پذیر شد، دشمن بر همین تقاط ضعف حمله‌ور میشود و درست‌تر همانجائی که قدرت و صحت و صلاحیت و درایت از خود نشان ندازیم، اوتو-مد ها را آشفته و پریشان و گمراه خواهد ساخت، ضربه را وارد خواهد کرد و توده‌ها را از دور انقلاب پراکنده خواهد نمود. بایند هشیار بود و در این زمینه نیز انقلابی عمل کرد.

Advertisement for 'Mardom' magazine. It includes the title 'نامه مرموم' (Mardom Magazine), the publisher 'انجمن مرکزی حزب توده ایران' (Central Committee of the Tudeh Party of Iran), and a list of subscription prices for various countries: West-Germany (0.80 DM), France (2 Fr.), Austria (8 Sch.), England (20 P.), Belgium (10 Fr.), Italy (350 L.), U.S.A. (40 Cts), and Sweden (1.50 Skr.). It also mentions the price for subscribers in Iran (15000 Rials) and the address '16 Azad Shahr, Tehran'.